

تاریخ نظامی

جنگ ایران - افغانه

« از جنگهای نادرشاه »

در سال ۱۱۴۱ هجری

تألیف

جمیل : قوزانو

طبع اول

طهران

۱۳۱۰

(نسخه ویرایشی)

جنگ ایران - افغانه

در سال ۱۱۴۱ هجری

فصل اول

کلیات

وضعیت عمومی طرفین

علت جنگ - مصالحه «قندهار» موضوع خارجی نداشت زیرا که؛ رؤسای طوائف خودسر قسمت شرقی ایران و مخصوصاً افغانه دست از جدال برنداشتند. باضعف آخرین زمامداران سلسله صفوی نگاهداری ممالك تحت الحمايه ايران که از ترکستان غربی الی دریای عمان حدود طبیعی خوبی بودند، دیگر مقدور نبود (۲) افغانه نه فقط قسمت

[۱] اوضاع دوره سلطنت نادر شاه افشار را بطور کلی باین جمله مختصر میتوان بیان نمود، مجادله بر ضد کلیه همسایگان (هند، افغان، عثمانی، تراکه، بلوچ و تشکیل یک حکومت مقتدری در آسیا) نادر شاه در موقع صعود بقدرت طبعاً دارای افکار انقلابی و فکر تجدید بود. زیرا زمان و مکان و خاصه زندگانی معظم له این را ایجاد و بالاخره دوره تدنی سلسله صفوی وضعیت سیاسی را پیش آورد، که معظم له قبل از هر چیز مرد انقلاب و رئیس جنگ و جدالهای ملی و نظامی محسوب شد. ج - ق]

[۲] - نادر قلی افشار در سال ۱۱۳۹ هجری مجدداً داخل قشون شده و در همین آوان پادشاه وقت «شاه طهماسب» وی را بسرداری کل قشون تعیین نمود و مشارالیه بدون اینکه موافق رسم آنوقت اظهار عدم لیاقت و قابلیت کرده و استدعا نماید او را معذور بدارنده فوراً این مقام عالی را قبول کرد.

(اقتباس از تاریخ عمومی)

غربی افغانستان را از تحت تسلط حکومت ایران خارج نموده بلکه بداخله مملکت (سیستان، قائنات خراسان و نواحی مرکزی) دست درازی مینمودند [۳]

در سال ۱۱۳۸ هـ. تعرضات و یغماگری افغانه در صفحات شرق فوق العاده ظالمانه بود. فرمائیز ۱۱۳۹ هـ. آخرین قشون صفوی بتأدیب غارتگران اعزام شد ولی صاحبمنصبان مصالحه را بسلامت نزدیکتر دیده قرار دادند بکریع مالیات به آنها داده شود و مراجعت نمودند.

با وجود این قرار داد ثانوی افغانه دست از غارت آن صفحات برنداشتند بلکه مصمم شدند که به نواحی شمالی اصفهان رفته پایتخت موقتی ایران را ضبط و در قسمت شمال نیز مقر فرمانفرمائی شمال شرق را غارت و خراب نمایند.

در این موقع وضعیت سرحدات مغرب و شمال و جنوب نیز مغشوش بود. صلح با دولت عثمانی موضوع خارجی نداشت زیرا که ترکها ناحیه غربی را تخلیه نکرده بودند.

خلاصه: امور مملکت روز بروز رو به اختلال و اغتشاش گذاشت. شاه طهماسب در مقابل این وضعیت مشکل ناچار مصمم شد نادر قلی را که از صاحبمنصبان قدیم و مرد بر تجربه و شجاع بود بخواهد، شاید حضور او رونق تازه به امور قشون بدهد [۴] بنا بر این احکام برای احضار ایشان صادر شد. نادر قلی افشار به امتثال امر ملوکانه به پایتخت آمده، لدی الورد مورد عواطف پادشاه گردید و اختیاراتی با لا تر از وزارت بدو تفویض شد.

نادر بنا بر اعتمادی که به او شده بود مصمم گردید به اصلاح و تنسیق امور قشون بپردازد. قشونی که نادر قلی تشکیل و تنسیق نمود بیش از پانزده تا بیست هزار نفر نمیشد و این قوا برای مقابله با عثمانیها و افغانه کافی نبود، ولی جنگهای اطیش - عثمانی و نیز جنگهای روس و عثمانی و همچنین اختلال داخلی امپراطوری عثمانی نا اندازه ای وضعیت صحنه جات جنگی غرب و شمال

[۳] - این وقایع در سال ۱۷۲۹ میلادی مطابق سنه ۱۱۴۹ هجری یعنی یکسال بعد از آنکه «شاه طهماسب» نادر خان را بخشید و داخل خدمت کرد اتفاق افتاد.

«از تاریخ نادر شاه اقتباس شد»

[۴] - نادر قلی افشار در دوره سلطنت شاه سلطان حسین در سرحد شمال شرقی صاحب منصب بوده

و در سال ۱۱۴۶ هـ از قشون اخراج شده بود.

غربی ایران را بهتر نموده، کلیه قوای مهاجم ترك در خط [تبریز - بیجار - همدان - کرمانشاه - مندلی] بیش از ده هزار نفر نبود. بالخاصه قوای عمده آنها که در سال ۱۱۴۰ در شمال سواحل دریاچه ارومیه بود، از راه [بایزید - طرابزون] به قطعه اروپا یعنی به جبهه (دانوب) انتقال یافته و بدین منوال قوای جبهه شرق عثمانی ضعیف و بحال اختیار تعرض را نداشته و فرصت مناسبی به دست ارودی جوان سر تیپ نادر قلم میداد. قوای دولت عثمانی قبل از ورود سر تیپ نادر قلی به خدمت قشون، همواره به قوای ایران غالب می آمدند، از سمت مشرق افغانه نیز به عملیات ترکها معاونت می نمودند.

از سال ۱۱۳۹ هجری به این طرف بعضی از رؤسای ملی افغان بخيال اینکه يك دولت مستقلی تشکیل دهند در صدد تصرف ولایات شرقی ایران برآمدند، اتفاقاً وضعیت داخلی ایران نیز برای پیشرفت عقاید آنها مساعد بود لهذا رؤسای ملی افغانستان با اینکه در میان خود اتفاق و اتحاد محکمی نداشتند گاهی در خط سیستان و گاهی در سمت خراسان و مرو ناخت و تازهای می نمودند. رفته رفته این اغتشاشات روز بروز وسیعتر شده بالاخره یاغیان شهر (هرات) را گرفته در تهیه بودند که با قوای زبانی داخل اصل خاک ایران شده مقرایالت خراسان (مشهد) را محاصره نموده و افغانه جنوب نیز که (قند هار) را در دست داشتند بطرف مرکز ایران ناخت و تاز نمایند. این خبر در مملکت ایران چندان مهم بنظر نمی آمد، زیرا که دیگر قشون نادر به بیست و پنجهزار نفر رسیده و بتدریج به مشهد رهسپار میشدند.

نقشه جنگی طرفین

قوای متقابل - نقشه عملیات

قوای عمده افغانه عبارت بود از دو دسته قوی ۲۰۰۰۰ نفر قوای اشرف در جنوب: از بلوچستان دسته بار محمدخان، از کرمان دسته سیدال، از قائنات دسته ابن ویس - قوای اشرف دارای توپخانه سبك بوده است. و قوای دوم عبارت از ۲۰۰۰۰ نفر قوای ابدالیها در شمال.

دسته اول در هرات و دسته دوم در کره بان در تحت ریاست الهیار خان بعلاوه يك دسته مرکب از افغانه غربی که باید در شهر قندهار مجتمع شوند

نقشه افغانه عبارت بود از يكه تعرض جدي بطرف قسمتهای مرکزی ایران در حالیکه قوای شمال یعنی (ابدالیها) ناورود دستجات غربی افغانستان به شهر هرات ، در آن منطقه وضعیات تدافعی خواهد داشت .

نادر قلی بغوریت تصمیم خود را گرفت و آن عبارت بود از منهدم کردن قوای شمالی افغانه قبل از رسیدن قوای اشرف به صحنه جنگ اصلی و انتخاب منطقه شمال شرقی ایران برای صحنه اصلی عملیات و دلایل عمده این تصمیم سوق الجیشی نیز بایستی تقریباً بقرار ذیل بوده باشد :

اولاً - قوای ابدالیها زود تر از دستجات اشرف افغانی ممکن بود داخل اصل خاک دولت ایران شوند .

ثانیاً - اصولاً يك عده از قوای اشرف و ناچار يك قسمت از افغانه غربی که در قندهار میباشند بایستی به استعداد ابدالیها ملحق گردند .

ثالثاً - تمرکز و پیشرفت قوای اصلی اشرف بطرف صحرای لوط و کویر نمک مشکل بود .

رابعاً - سوق و تمرکز دادن قوای ایران در مشهد و تربت جام با کمال سرعت قابل اجرا بود در قسمت مغرب مملکت که تقریباً صحنه جنگ دومی محسوب میشد ، کلیه قوای این منطقه در تحت ریاست محمدعلیخان نایب السلطنه و والی عراق قرار داشتند . سواران محلی یعنی بختیاریها در (ملایر) و دستجات شاهسون هم در خط (قزوین) بطور ساخلو در مقابل قوای مرکزی عثمانیها که در خط (سنندج) و (همدان) بوده اند استقرار داده شد .

برای بکار انداختن قوای خود نادر قلی تشکیلات جدیدی را که در ۱۱۴۰ شروع کرده بود بکار برد و این تشکیلات عبارت بود از تقسیم قوا به افواج [در حدود سه هزار نفر] و دستجات مستقل وعده های مجاهد داوطلب . بدین ترتیب قوای اولیه نادر شامل پنج فوج پیاده و یکفوج کارد سلطنتی و دستجات سوار نظام و توپچی ها بود که مجموعاً بیست و پنج هزار نفر میشدند .

غنداللزوم از جبهه عثمانی نیز که در آنجا جنگ بحال متارکه بود (۵) ممکن بود قوای ساخلوی قزوین و ملایر را بمنطقه شمال شرقی احضار نمود.

بموجب فرمانی که از طرف شاه طهماسب صادر شده بود امور قشون و مالی کاملاً به سرتیپ نادرقلی تفویض گردیده. واحدی حق نداشت راجع بآنچه که مربوط به تشکیل و تنسیق واعزام قشون بود مداخله نماید.

کارخانجات خسه و مشهد اتصالاً برای قشون جوان اسلحه، و قورخانه قزوین نیز در تهیه توپ و مواد محترقه سعی مینمودند. کلیه تفنگها چخماقی و سرپر و توپها نیز سرپر و مس و برنج بودند. و نیز استادان اسلحه جارحه در کلیه بلاد ایران مشغول ساختن شمشیر و نیزه بودند.

فصل دوم (۶)

محاربه کریان «کافر قلعه»

محاصره هرات

۱- تمرکز قوا در کنار رودخانه تجن: در اوایل بهار سال ۱۱۴۱ هـ.

قرارگاه کل قوای ایران به شهر (مشهد) رسیده بود. اولین احکام نادرقلی مبنی بر این بود که؛

(۵) مقارن همین اوقات نماینده عثمانیها نزد شاه طهماسب آمده تکلیف کرد که اگر قاطعی را که متصرف میباشد به آنها واگذار شود مصالحه کنند و ایرانرا بحال خود بگذارند و ممالک شرقی خود را از افغان پس بگیرد. شاه طهماسب جواب داد که در این باب تصمیم لازم اتخاذ خواهد شد و عجالتاً متارکه باشد تا جواب بعضی اظهارات دولت ایران از جانب سلطان عثمانی برسد.

طرفین متارکه جنگ را قبول کرده و قرارداد موقتی منعقد ساختند و برای عقد صلح سفیر و ایلچی مخصوص از طرف دولت ایران به اسلامبول اعزام گردید و ضمناً سفیر مزبور شاه طهماسب دستور داد که بمنزله خوشی بطوری که اسباب سوء ظن عثمانیها نباشد در راه معطل شود و ورود به اسلامبول را بتأخیر بیندازد. مقصود شاه طهماسب و سرتیپ نادرقلی دفع الوقت بود و میخواستند فرصتی یافته بمنطقه خراسان قوا بفرستند.

- اقتباس از کتاب تاریخ نادرشاه و از تاریخ خصوصی عثمانی -

(۶) ماخذ تاریخی این فصل از کتابهای ذیل اقتباس گردید:

- ۱ - تاریخ نادرشاه تألیف ج - قوزاقلو
- ۲ - چهارده سال در ایران تألیف ج - قوزاقلو
- ۳ - جهانگشای نادری - و روضه الصفا
- ۴ - تاریخ افغانستان - و ترکستان
- ۵ - تاریخ هند - و بلوچها
- ۶ - تاریخ عثمانی، و سفرنامه طوبال عثمان پاشا تألیف ج - قوزاقلو
- ۷ - از کنفرانسهای احمد مختار پاشا راجع بغعلوط سوق الجیشی آسیا
- ۸ - جغرافیای نظامی ایران تألیف ج - قوزاقلو

قسمت بزرگ قوای عمده بمنطقه «نجن» رهسپار کردند. دستجات سوار نظام در سمت شرقی رودخانه نجن بمنظور پوشش و حفاظت قوا و عملیات تمرکزی حرکت نمایند.

احکام دومی نادر بطور تفصیل راجع به تهیه آذوقه و قورخانه بود.

روز یازدهم برج حمل کلیه دستجات سوار نظام اردو بطرف حوضه رود نجن روانه شدند ولی

قوای اصلی در حدود «زیت جام» متوقف گردید.

پس از آنکه اطلاعات راجع به قوای شمالی افغانه تکمیل شد یعنی نادر قلی دانست که

حرکت افغانه غربی تأخیر افتاده و نااواسط تابستان به شهر «هرات» نخواهند رسید، و بالعکس

(ابدالیها) از هرات بطرف مغرب حرکت نموده اند، علیهذا تصمیم قطعی خود را چنین گرفت که

قبل از رسیدن قوا از غرب بقلعه هرات بروی ابدالیها در حوضه نجن تعرض نموده یا در آنجا

مضحملشان کرده و یا بطرف قلعه هرات عقب راند.

موقعیت قوای شمالی افغانه : ابدالیها در برج حمل پس از آنکه قلعه

هرات را مستحکم ساختند به سمت

مشهد حرکت نمودند و در اواسط حمل در ساحل جنوبی رودخانه نجن بطرف مغرب در حرکت بودند.

موقعیت قوای جنوبی افغانه : قوای اشرف از هوای مساعد زمستان

استفاده نموده سعی میکرد از بین

صحرای لوط و کویر نمک که محل عبور قوافل کرمان و سیستان بود عبور نموده، قسمت شرقی

نواحی ایران را ضبط و قبل از رسیدن کرمای فصل تابستان بطرف پایتخت ایران تعرض نماید.

موقعیت قوای جنوبی ایران : يك فوج پیاده و ده دسته سواری که

در خط قم - اصفهان بودند حکم داشتند

از اهالی محل و مجاهدین آن نواحی قوایی ترتیب داده در عراق استقرار یابند.

موقعیت قوای غربی ایران : بر طبق متارکه نامه «آوه» قوای غربی

ایران در ملایرو «آوه» متوقف بودند

موقعیت قوای شمال شرقی ایران : بر طبق تصمیم قطعی نادر قلی، در

خط نجن و زیت جام مهبیای

حرکت بودند. و يك عده مختصر هم به ساخلوی مشهد معین شد.

۲- حرکت از تربت جام تا گریان : دوازدهم برج نور ۱۱۴۱ هـ

فرمانده کل قوا سرتیپ

نادرقلی وارد قریه « ذو الفقار » شده و شبانه دستور داد که فردا کلیه قوا (با استفاده از جاده های طرفین رودخانه نمجن) بطرف « هرات » پیشروی کنند، ضمناً امر صریح داده شد که کلیه سوار نظام همیشه سه فرسنگ جلو تر از پیاده نظام حرکت نموده اکتشاف در جلوی ستونهای اعظمه دار و ارتباط محکمی بین پیاده گان و سوارها برقرار باشد.

عده های سوار نظام در موقع شب دسته به دسته اردو زده، در طول راه منزل نمایند. ولی بشرط اینکه محل اردو همیشه بطرف دشمن واقع باشد. آذوقه سوار نظام مقداری از محل تهیه و بقیه از موجودی بنه اول مصرف شود و تغذیه سوار نظام نیز باید باندازه هفت روز نان همراه داشته علیق دواب را هم روز بروز تقسیم نمایند

روز ۱۶ ثور قوا به قریه « هوین » رسیده و همانجا اردو زد

در این موقع چون نادرقلی دانست که وضعیت افغانه مشکوک و هنوز در محیط هرات مانده و حرکت نکرده اند، لهذا سه روز بقتشون راحت باشی ده و حاجی خان مین باشی را مأمور کرد که به معیت دستجات سوار نظام اردوگاه قوارا از سمت مشرق پوشش و حفاظت نماید (۷).

توقف در « هوین » يك هفته طول کشید. در این مدت اخبار موحشی بقرارگاه کل میرسید که افکار نادرقلی و شاه طهماسب را پیریشان مینمود. ولی این اخبار کلیتاً جزو مسموعات و ازا فواه اهالی محل شنیده شده بود، لیکن اخبار جبهه جنوب از آنطرف نسبت به منطقه خراسان اسباب خطر بود ولی چون کار از کار گذشته بود لهذا نادر از تمام جبهات دور از جبهه خود دست کشیده و قطعاً امیدوار بود که اگر در جبهه نمجن و هرات بدشمن خود هرچه زودتر فائق آید بطور حتم اشرف را در خط اصفهان و قم شکست خواهد داد و گذشته از این روحیه قوای ملی افغانه را در صفحات شرق متزلزل و پیریشان نموده بدین وسیله به آرزوی فاعمانه خود نائل خواهد آمد.

در اردوگاه « هوین » قشون نادر روز بروز قویتر میشد. همانطور که ملاحظه قشون مستقل از تقسیم بندی شده و از عناصر مختلفه تشکیل گردیده بود که دائماً با قوای ملی افغانه در ارتباط بود. این انتشارات عدم عیس از عیس و غیره قوای سوار نظام حاجی خان نمجن بخشی از آنها بودند. و نیز از پیاده های مستقل بطرف جنوب و شمال اردوگاه

پهلودار های سیار (۸) ترتیب داده و منتظر اخبار جاسوسان مخصوص خود بودند.

روز ۲۲ نور از جبهه جنوب راجع به تعرضات و قتل و غارت قوای اشرف اخبار مفصلی رسید ولی برای جلوگیری از این عمل چاره در دست نبود، لهذا مجبوراً وضعیت جبهه جنوب را بطبیعت واگذار نموده کلیه قوا و اقدامات خود را بجهت شمال مصروف نمود.

روز ۲۳ نور قوای سوار نظام جلودار [عده حاجی خان مین باشی] که از اردوسه فرسنگ جلو تر بود با سواران ابدالیها تماس حاصل و شروع بزد و خورد نمود. موقع ظهر راپرت از طرف مین باشی بقرارگاه کل واصل گردید که تقریباً در این زمینه بود:

« منطقه ما کلیتاً از سکنه خالی و آبادیها دچار حریق شده اند، امروز صبح زود سوارهای « دیدبان ما (۹) به زنجیر سواره افغانه برخورد شروع به زد و خورد مینمایند. چون صدای « تیر و تفنگ بقرارگاه سوار رسید، فوریت سوارهای دیدبان را تقویت و در تعقیب آنها « نیز کلیه سواران بحرکت درآمدند. »

« پس از مصادمه مختصر سواران خصم بطرف هرات عقب رفتند و آنها را قریب نیم فرسنگ « تعقیب نمودند و بالاخره از دور مشاهده شد که در طرفین رود تاجن اردوی بسیار بزرگی « بر پا است و تخمیناً بعد پنجاه هزار نفر میرسد. - فرمانده سوار -

راپرت رئیس دستجات سوار در قرارگاه کل اثرات مهمی بخشید، نادر تصور نمیکرد که آبدالیها به این اندازه دارای استعداد باشند، گذشته از این حرکت آنها از قلعه مهم هرات بطرف مغرب نیز اسباب خیال نادر گردید، زیرا آبدالیها بدون تحکیم و آذوقه و ساخلوی مخصوص قلعه را تنها نخواهند گذاشت. بنا بر این تصور نمود که یاقوای تازه ای برای محافظت قلعه از سمت مغرب رسیده است و با استعداد اولیه آبدالیها آتقدر قویست که توانسته اند از خود، يك قسمت در قلعه هرات بگذارند...

در حال اخبار فوق هم ناقص و هم اسباب خیال بود، ولی چون بادشمن شروع به اتخاذ تماس شده بود لذا دیگر ممکن نبود که قوا را معطل نموده و یا عقب کشید، بنا بر این نادر قلی بدون فوت

[۸] پهلودار، عناصر ثابت یا متحرکی است که پهلوی عده های اصلی را حفظ مینماید.

[۹] سوار دیدبان، سوار تك یا جفتی است که برای مراقبت زمین و دادن خبر در يك محل معینی استقرار

یافته باشند.

وقت حکم! کید به فرمانده دستجات سوار نظام صادر نمود که بغوریت قسمتهای خود را جمع آوری نموده بطرف اردوگاه «کافرقلعه» خصم تعرض نماید و نیز حکم دیگری برای استعداد کل داد که بسرعت از خط هرات به طرف قریه «کریان» تعرض نمایند.

۳ - شروع نبرد - قوای شمالی افغانه که در تحت امر سردار الله یار خان در حدود «کافرقلعه» وضعیت جنگی بنمود گرفته

بود بطور تخمین پانزده هزار نفر میشد. همین که قوای مقدم ایران در حدود اردوگاه افغانه نمایان شد، قوای الله یار خان تپه های غربی کافر قلعه را جان پناه خود ساخته بسد راه «هرات» پرداختند.

در حالتیکه قوای حاجی بیک مین باشی پیش قراول خصم رابه عقب راند، دستجات ایل خانی افشار پل «کوسویه» را پس از مصادمه درخشانی متصرف شدند.

با وجودیکه وضعیت و موقعیت قوای سردار الله یار خان در حدود «کافرقلعه» روشن گردیده بود، ولی چون کلیه قوا به میدان تصویری نبرد نرسیده بودند، نادرقلی مجبور بود که در نزدیکی جبهه الله یار خان خط تدافعی احداث نماید.

در عرض دو ساعت قوای ایران در دو هزار قدمی قوای افغانه جبهه بطول سه هزار قدم تشکیل و منتظر تعرض آنها گردیدند (۱۰) موقع ظهر محاربه با تعرض افغانه شروع شد، يك صف پیاده بدون تیر اندازی بمجنّاح راست جبهه ایرانیان با شمشیر هجوم آورشد، دراین بین فوج دیگری از افغان دست به شمشیر بمجنّاب پیادگان هجوم آورده و هر دو در قسمت جناح راست باجسارت تام داخل صفوف پیاده شدند، پیاده های آن جناح قدری عقب نشستند. دراین حال توپخانه ایرانیان با شدت تمام صفوف حمله افغانه را مورد شلیک قرار داده اتصالاً تیر اندازی میکرد ولی طرفین طوری بهم دیگر نزدیک شده بودند که از آتش توپخانه هر دو طرف متأثر میشد.

« ۱۰ » میرزا مهدی خان منشی مؤلف کتاب تاریخ جهانگشای نادری تفصیل محاربه کافرقلعه را این طور مینویسد: «توپخانه و تفنگچیان پیاده را حصار لشکر و محیط عسکر ساخته جمعی از سواران نیزه کذا رویکه تازان عرصه» «گرو دار را در برابر فول همایون بعنوان طرح تعیین و بقانون سپاهی کری هنگامه آرای معرکه کین شدند اول افغانه» «بجانب مینه حمله ور گشتند پیاده کان بطرح بلوک مینه در آمده جنگ در پیوست»

جها نکشای نادری صفحه ۵۷ سطر ۱۴

در جناح راست قریب پانزده دقیقه جنگ خونینی بعمل آمد و نزدیک بود به شکست ایرانیان منتهی شود که در این بین نادر قلی با عده سوار [قریب هزار نفر] داخل میدان مقاتله گشت. (۱۱) پس از نیم ساعت جنگ و حملات شدید افغانه در هم شکسته کلیه افراد جبهه افغانه بتدریج عقب رفتند، ولی محاربه بانی و تفتنک و توپخانه تا غروب به طول انجامید و در این نبرد نادر قلی زخمدار شد. چون شب در رسید، قوای ایران در خط جبهه مانده و افغانه نیز در حوالی «کافر قلعه» گرد آمدند و آن شب بدون حادثه گذشت. افغانه پس از گذاشتن قوای مختصری در کافر قلعه، بطرف «کوسویه» و «هریرود» عقب میروند ولی این حرکت آنها را ایرانیان ملتفت نمیشوند.

شب بیست و چهارم نور از حریت بایرانیان سخت گذشت. چه اولاً برای اینکه محل اردو از آب دور بود (۱۲) ثانیاً چون اردو پس از طی بیست و سه فرسنگ راه و گذاشتن بنه در عقب بخط جبهه رسیده بودند لهذا از حیث آذوقه نیز در فشار ماندند. ثالثاً عده مجروحین و مقتولین طوری زیاد بود که تا صبح به نقل آنها اشتغال داشتند.

روز ۲۴ ثور، صبح زود سوار نظام ایران بطرف کافر قلعه شروع بتعرض نمود و بدون مقاومت آنجا را بتصرف در آورده و فوراً در تعقیب عقبدار افغانه حرکت نموده، اطلاعات ذیل را به قرار کل فرستاد:

«میدان محاربه دیروز بکلی از دشمن خالی میباشد، از قراریکه مجروحین در ماندهٔ خصم اظهار مینمایند، افغانه در نصف شب جبهه خود را تخلیه نموده بطرف (هری رود) عقب میروند.»
پس از وصول راپرت سیمی فرمانده سوار، اردو از تپه های غربی کافر قلعه بطرف مشرق بحرکت درآمد و موقع ظهر بحوضه رودخانه کوسویه که یکی از شعبات هری رود میباشد رسیده و در مقابل اردوی افغانه فرود آمد و آنروز از طرفین به محاربه اقدام نشد.

[۱۱] تعرض تقابلی ایرانیان را میرزا مهدیخان اینطور مینویسد:

« با شمشیر تیز برصه ستیز نکاور انگیز گشته یکنفر ازیش آزان آن فرقه را ب خاک هلاکت انداختند و به آب تیغ جان »
« سوز آتش جرات خصم باد دیم را ساکن ساختند. اگر چه از روی تحمل و شکیب بنهیب مهیب افواج پیاده را »
« بیدان رانده و سواران افغان را ازیش برداشتند »

جهانکشی نادر ص ۵۷ سطر ۱۹

[۱۲] به اعتبار اینکه آن مکان از آب دور بود آن شب جیوش بحر خروش از بی آبی اندک بی تابی کردند بفرجام

آبی بر آتش عطش افشاندند ...

جهانکشا ص ۵۸ سطر اول و ۲

طرفین از وضعیتهای حقیقی خود کاملاً مطلع نبودند، فرمانده قوای شمالی افغانه سردار الله یار خان قطعاً منتظر قوای امدادیه بود، زیرا دوروز قبل از محاربه «کافر قلعه» به وی اطلاع داده بودند که قوای عبدالغنی و ذوالفقار خان از «فراه» راه افتاده همین روزها به حوضه «هری رود» خواهند رسید، و بنا بر این مشار الیه منتظر ورود آنها بوده بهمین جهت چندان به محاربه جدی اقدام نمیکرد.

از طرف ایرانیان نیز راجع به قوای (فراه) اطلاعاتی جزئی در دست موجود بود، بنا بر این نادرقلی خود را از طرف راست در خطر دیده از حوضه (کوسویه) جلوتر نمرفت و برای سد راه قوای عبدالغنی و ذوالفقار خان معظم له درین راه (فراه - کوسویه) سد سوق الجیشی تشکیل داد که مرکز آن در روی جاده مذکور توسط سوار نظام حاجی بیک مین باشی محافظت میشد. موقع ظهر وضعیت افغانه بوسیله اکتشافات و جاسوسان و اسرا حتی المقدور معلوم شد. با وجودیکه وضعیت افغانه روشن گردیده بود ولی فرمانده قوای ایران در صدد برآمد که خود را از جانب قوای عبدالغنی و ذوالفقار خان که مشغول پیش آمدن بودند، محفوظ دارد و بدین مقصود کلیه سواران اردو بطرف جنوب شرقی حرکت و دستجات جدید نیز برای تقویت سپاه سوار بطرف فراه اعزام گردید.

روز ۲۵ ثور ۱۱۴۱ : صبح زود قبل از طلوع آفتاب کلیه توپخانه افغانه اردوگاه ایرانیان را مورد شلیک قرار داده (۱۵) از هر طرف مرتباً تیر اندازی مینمایند. چون افغانه قبلاً از مسافت و وضعیت اردوگاه و خط مقدم جبهه ایرانیان مطلع بودند لهذا بمباردمان اولیه آنها خسارت کلی وارد آورد، ولی توپچیهای قدیم نادر که از دوره درخشان نظام سلسله صفویه بیاد کار مانده بودند، فوراً تغییر موضع داده شروع به تیر اندازی بر ضد آتشبار مینمایند. اما نظر عمده نادر بیشتر به قوای عبدالغنی و ذوالفقار خان است زیرا برای معظم له فقط اینقدر معلوم بود که از جناح راست صحنه جنگ یعنی از سمت شهر «فراه» یک ستون افغانه باینطرف متوجه میباشد. ولی بهینچوجه معین نبود آیا دارای چه استعداد و چه صنوفی هستند؟ بنا بر این وقتی که محاربه دوم امروز صبح زود شروع گردید نادر حالت تدافعی اتخاذ نموده و چون از حیث توپخانه بر قوای سردار الله یار خان تفوق

(۱۵) - در موقع مطالعه اصول تعلیمه الجیشی در قرون اخیر تألیف این جانب و یا سایر مؤلفین را در مد

نظر داشته باشید، تا بتوانند وضعیت را بهتر مجسم سازید.

ج - ق

داشت لهذا مطمئن بود که کلیه قوای مهاجم را در خط « کوسویه » متوقف میسازد. طرفین مدتی با توپخانه مشغول محاربه بودند [۱۶] در اینموقع قوای نادر مقابل ابدالیها بهترین وضعیات را حائز بود و نادر پس از آنکه راه « فراه » را بوسیله دستجات سوار نظام بطور محکم تأمین نمود، حکم حمله را بوسیله شیدور اعلام داشت. روح تهاجم لشکریان نادر قلی بقدری قوی بود که با وجود تلفات سنگین محاربه « کافر قلعه » مجدداً با کمال تهور بسمت جبهه اصلی ابدالیها شروع بتهاجم نمودند.

هجوم از هر دو جناح اجرا و توپخانه نیز کلیه قوا را حمایت میکرد یعنی افواج جناحین دو قسمت شده، فوجی از مررود خانه « کوسویه » و جمعی از جانب میمنه هجوم آور شده بدستور فرمانده کل پیش میرفتند. در اینموقع نادر قلی خود را بمیدان مقابله زده صفوف حمله را تشویق نموده دشمن را در کلیه جبهه قدم بقدیم عقب میراند، ناهنگام ظهر نائره جنگ اشتعال داشت بعد از ظهر شکست فاحشی به ابدالیها راه یافته جمع کثیری از آنها کشته شدند و بقیه السیف ترك میدان نبرد نموده روبه هیزیمت گذاشتند. ابدالیها بلادرنك یکسربطرف دروازه شهر «هرات» فرار کردند.

پس از رجعت سریع افغانه، قوای عمده ایرانیان در تعقیب خصم حرکت کردند [۱۷] ولی چون قسمت اصلی سوار نظام نادر خارج از صحنه نبرد بودند، یعنی در راه « فراه » مأموریت داشتند و دوروز بود که خبری از آنها نمیرسید لهذا عملیات تعاقبی آنطوریکه میبایست صورت بگیرد مجرا نگردید و باین دلیل ابدالیها پس از يك شب فرار که يك قسمت از آنها نیز به دروازه های شهر هرات رسیده بودند، در نتیجه کوشش و اقدام عاجل و فداکاریهای بی حد و حساب سردار الهییار خان، يك قسمت از قوا مجدداً ما بین شهر (هرات) و قریه (رباط پریان) که در دو فرسنگی شهر است مجتمع و در مغرب آن قریه جبهه موقتی تشکیل دادند.

[۱۶] جهانکشی نادرى بمباردهان روز ۲۵ ثور را این طور مینویسد:

« صبحگاهان چون توپ از دردهان افق گلوله آتشبار مهر از دهن در انداخت و عرصه جهان را از سیاهی سیاه »
 « ظلمت برداخت، معلوم شد که افغانه شب توپخانه خود را بمحاذی اردوی نصرت قرین آورده میهای جنگ کشته اند. »
 جهانکشی نادرى صفحه ۵۸ سطر ۶

[۱۷] - « از منزل «رباط» چرخه شاه طهماسب را با آغروق و توپهای بزرگ بقریه «شاهده» روان کردند »

از کتاب جهانکشی نادرى صفحه ۵۸ سطر ۱۴

روز ۲۶ ثور : الهیار خان صبح زود برای تسلیم و متارکه جنگ نایبده مخصوصی. نزد نادر قلی اعزام داشته در خواست امان کرد. ولی بعد از لمحّه از راه تزویر بر آمده خواست که خدعه جنگی بخرج بدهد: یعنی در حینی که نایبندگان طرفین مشغول گفتگو بودند، از پشت لشکر نصرت ایرانیان بی خبر و غفلتاً هجوم کردند و وضعیت محاربه بجائی انجامید که کار از تیرو و تفنگ گذشته، به جنگ تن به تن و دست به یقه رسید و از ابتدای طلوع آفتاب تا دو ساعت بظهر مانده مقاتله بطول انجامید، در آن موقع علائم عقب نشینی در طول جبهه مقعر افغانه نمایان شد و نادر قلی که همیشه مواظب و متوجه کلیه میدان نبرد بود، از وضعیت خصم آگاه و امر داد شیپور چیان علامت شادمانی و ظفر را به نوازند. افراد نظامیان که غرق خوف شده بودند منتظر چنین علائمی بودند. لهذا به شنیدن صدای شیپور به جنبش آمده هورا کشان از جا کنده با تمام مردانگی و حمیت مانند سیل بطرف جبهه خصم ریختند.

این حمله اخیر که با شوق و ظفر توأم بود تا کمال شدت شروع و در نتیجه قوای خسته، مغلوب و پریشان و غریق خون افغانه را بکلی از جابر کننده جبهه ثابت آنها را فوراً به جبهه سیار تبدیل و طولی نکشید که شکل جبهه آنها مختل و پریشان شده رجعت و هزیمت کلی در گرفت. هر چند که موقعیت اقتضای تعاقب میکرد لیکن مراعات رویه سوق الجیشی مانع آمده احدی رخصت نیافت که قدم پیشتر نهد. لهذا در همان رزمگاه متوقف گشته منتظر امر ثانوی شدند... چرا؟

بدلیل اینکه در جناح راست میدان محاربه کلیه سوار نظام ایران با قوای امدادی افغانه یعنی با عده سردار عبدالغنی و ذوالفقار خان داخل نبرد شده صدای تیر و تفنگ و شلیک توپخانه بگوشها میرسید.

بالاخره نادر قلی آخرین سوارهای خود را بدان سمت روانه داشته موقع غروب خبر عقب نشینی قوای عبدالغنی و ذوالفقار خان را تحصیل نموده ولی همینکه آشوب جدال در هر دو صحنه جنگ برفع ایرانیان فرو نشست، باد شدیدی بر خواست بحدیکه تمام منطقه جنگی را بظلمت انداخت و دو شبانه روز طرفین از کثرت گرد و خاک چشم از جدال پوشیده در همان مکان توقف کردند.

روز ۲۸ ثور : بعد از دو روز که طوفان تسکین پذیرفت باز از جانب فرمانده قوای افغانه

(الهیار خان) ناینده مخصوصی به قرارگاه ایرانیان آمده طریق مصالحت را پیش انداخت. هر چند نادر قلی از مقصود خدعه جنکی افغانه اطلاع داشت باز برای پیشرفت عملیات سوق الجیشی در جناح راست با داشتن احتیاط لازمه پیشنهاد آنها را پذیرفت. در «هری چشمه» نمایندگان افغانه [خود الهیار خان و عبدالغنی علیکو زانی و چند نفر از معتبرین] آمده وعهد اطاعت بستند و نادر نیز مسئول آنجماعت را تا اندازه قبول نمود ولی مذاکرات ثانیه شب طول کشید و بطور قطع خاتمه پیدا نکرد و قوای طرفین در سه هزار قدمی شهر هرات در جبهات خود شان متوقف بودند.

روز ۲۹ ثور: با وجود اینکه نادر قلی شرائط افغانه را کاملاً پذیرفته بود مع هذا حاضر برای تسلیم اسلحه و توپخانه خود نشدند، زیرا سردار الله یار خان در نیمه شب بیست و نهم خبری از ذوالفقار خان حاتم «فراه» دریافت نمود و مشعر بر این بود که: «فردا با جمعیتی بسیار قبل از طلوع آفتاب خود را به دروازه جنوبی هرات خواهد رسانید». این بود که سردار الله یار خان به اطمینان قوای کمکی از معاهد و پیمان بیست و هشتم ثور پشیمان گشته و مجدداً آماده جنگ میشود.

ولی نادر قلی چون از کلیه خیالات آنها مسبوق بود قبل از اینکه آبدا لیهادر جبهه شروع به محاربه نمایند مجدداً کلیه سوار نظام را با چهار عراده توپ از راه جنوبی هرات بطرف «فراه» اعزام و دستور داد راه مزبور را بطور محکم مسدود نموده نگذارند احدی از آنطرف به قوای سردار الله یار خان برسد. امروز در طول جبهه سکونت حکمفرما بود ولی بعد از غروب آفتاب در راه «فراه» صدای تیر و تفنگ بلند شد. با وجود اینکه راه «فراه» بطور محکم گرفته شده بود، باز ذوالفقار خان در ظلمت شب بی راهه با جمعی از پشت محل «شکیبان» گذشته به قوای سردار الله یار خان ملحق میشود.

روز ۳۰ ثور: در نزدیکی صبح شبیخون افغانه شروع شد. نادر چون این وضعیت را قبلاً پیش بینی کرده بود لهذا اولین حمله افغانه که با کارد و تبر صورت میگرفت از طرف ایرانیان با شمشیر دفع شد. همین که آفتاب طلوع کرد توپخانه طرفین شروع به بمباردمان نموده میدان نبرد را گرم و کلیه قوا را مجبوراً داخل مبارزه نمود. و مقاله شدید تر از سابق در طول جبهه «شکیبان» در گرفت.

بوسیله چابک سواران، قسمت سوار نظامی که در سر راه «فراه» بود فوراً احضار گردید و در عرض دو ساعت کلیه قوای آنطرف بجهه اصلی در شکیان انتقال یافته بدین وسیله در بین طرفین [۱۸] موازنت حاصل و خطر بیکه برای قوای ایران متوجه بود، در نتیجه دفاع متهورانه پیاد نظام و انتقال عده سوار مرتفع گردیده و محاربه موضعی شروع شد.

آن روز ناظهر چهار حله سنگین افغانه دفع گردید و از بعد از ظهر بانطرف نوبت تعرض به قوای ایران رسیده و ساعت يك بعد از ظهر باز بوسیله شیدور کلیه عده ها با اسلحه سرد شروع به حله نمودند، مقاتله بیش از ده دقیقه طول نکشید که افغانه دوباره از رزمگاه خارج و بطرف قلعه هرات عقب نشینی اختیار نمودند.

موقع عصر طرفین در حدود خندقهای «یادکار» و «یاد صبا» در مقابل همدیگر جبهه تشکیل داده و مدتی به بمباردها ن مبادرت ورزیدند، ولی شب بدون حادثه گذشت.

روز ۳۱ ثور: علی الطلوع نبرد با تیر و تفنگ مجدداً شروع گردید، افغانه باز دست بشمشیر حله ور شدند و از طرف ایرانیان بدو آ بشلیک تیر و تفنگ و توپ مبادرت و آنی طول نکشید کلیه با شمشیر حله متقابل کرده، افغانه را عقب راندند و بلافاصله در پی آنان حرکت و تا در واژه غربی شهر هرات تعاقبشان نمودند.

روز اول جوزا: کلیه قوای افغانه بقلعه هرات متحصن گشته و ایرانیان نیز محیط قلعه را از دو سمت (مغرب و جنوب) محاصره نمودند.

از ظهر بمباردها ن شهر شروع شد و غرش توپها و صدای ترکیدن گلوله ها مثل رعد در فضای هرات طنین انداز شده و از هر طرف گلوله مانند تکرک براهالی می بارید. خوف و وحشت عموم اهالی را فرا گرفته بود، مردم با حالت یأس و نا امیدي تن به مرك داده جمعی ناله میکردند، برخی دست بدعا و استغاثه برداشته وعده سراسیمه رو بدشت و بیابان اطراف شهر گذاشته و بالاخره همگی از سر نوشت آتیه خود هراسان و بیمناک بودند.

[۱۸] - قوای از سمت شرقی آتش افروز نوایر حربیه و ییکار گشته و ذوالفقار خان نیز با جمعی انبوه از کین بر سر اردوی همایون رفته مشغول کار زار گشته حضرت ظل الهی فوجی از غازیان را بمدافعه ذوالفقار خان مأمور و او را بتیر دلبوزستان جانسوز از سر بنه دور کرده

از کتاب جهانگشای نادری صفحه ۵۹ سطر ۱۳

موقع غریبی بنابر دقت تحقیق یافت و شب بدون حادثه بپایان رسید. در این شب برای اهالی هرات خواب و استراحت از بجهل تحالات فمرده میشد.

روز ۲ جوزا: صبح کلیه اهالی سردار الله یار خان فشار آوردند که باید قلعه هرات را به نادر قلی تسلیم نمایند.

سردار الله یار خان که در این مدت در محاربات [کافر قلعه - هری رود - کوسویه - باد صبا - یادگار - شکبان] نصف عده و قسمت اعظم توپخانه و بنه خود را از دست داده بود، با این فشار اهالی جز تسلیم چاره دیگری ندیده و همین روز مراسله ذیل را به فرمانده کل قوای ایران ارسال داشت:

« افغانه غلجه و آبدالی هر دو رعیت قدیم ایران بودند، غلجه مصدر خیانت گشته اولاً شهر
« قندهار و بعد از آن شهر اصفهان را که پایتخت سلطنت بود تصرف کردند و آبدالی
« مدتی بهوا خواهی ایران با غلجه در مقام جنگ و جدال میبود. اگر بمقتضای قوت بیش از
« این بسفک دماء راضی و در مقام مؤاخذه اعمال زمان ماضی نبوده عطف عنان ظفر توأم و تنبیه
« طایفه غلجه را هم و اقدم دانند بعد از تنبیه آنجماعت گروه آبدالی زیاده بر سابق در صدد ایلی و
« اطاعت بوده حلقه بندگی، در گوش و غاشیه خدمت بردوش خواهند کشید »

نادر قلی با وجود مخالفت شاه طهماسب، سردار الله یار خان را با جواب مناسب پذیرفته و بحکومت هرات و نواحی آن بر قرارش کرد و حتی يك قسمت از آذوقه را که سابقاً از قوای افغانه بغنیمت گرفته شده بود برای اهالی هرات فرستاد و بدین وسیله محاربه در کلیه نواحی هرات موقه خاتمه پذیرفت و يك قسمت قوای ایران نیز وارد شهر شدند.

روز ۳ جوزا: سی نفر از اعظام آبدالی با پیشکشی و هدایا شرف اندوز تقبیل رکاب فیروزی نشان گشته بخلاص فایده بهره مند و چند نفر از رؤسای معتبره آنها داخل قشون شده و سردار الله یار خان که حاکم هرات انتخاب شده بود، نواحی « فراه » نیز بدو تفویض گردید.

روز ۴ جوزا: نادر قلی بوسیله صلاح و سیاست عاقلانه مسئله جبهه شرق را خاتمه داد... چرا...؟ برای اینکه در جبهه جنوب و غرب جلوتهاجات قوای اشرف را بگیرد: چه راپورتهائی که از ورامین و خوار میرسید دابر بر حملات قوای اشرف بود، لهذا معظم اله پیشنهاد آبدالیهارا

در هرات غنیمت شمرد که قوا را از شرق به غرب انتقال دهد. بر این مقصود مشروط بود به بعضی اصلاحات شده از قبیل تغییر مکان دادن بعضی از عشاایر و ایالات در مناطق حیرمند و خراسان و ضبط قلعه «فراه» نیز بسردار الله یار خان محول و بدین وسیله دوئیت محکمی فی مابین افغانه شمالی داخل و حتی المقدور غائله هرات را پس از دادن سه هزار و هفت نفر قربانی خاتمه و از دم جوزا شروع به انتقال قوا از جبهه شرق بجهه غرب نمود.

اردو کشی غرب در تعقیب عملیات شرق انجام گرفت. در سایه اقدام و جدیت و فعالیت نادر، قشون جدیدی در مغرب خراسان تشکیل گردید و در مدت یکماه نادر یک عده سی هزار نفری که دارای انضباط و روحیه محکمی بود تهیه دید تا بالاخره قرارگاه کل در تاریخ چهارم ذی حجه آنسال بفیروزی و اقبال وارد شهر «مشهد» گشته و جبهه غرب که موقه در مغرب «شاهرود» بود از آنجا اداره میشد.

در آخر جوزا نادر برای جبهه غرب مصمم حرکت شد، یعنی آن عده که در مشهد دشت به همراهی خود بشاهرود ببرد ولی قبل از عزیمت خواست از نوحی شرق بکلی مطمئن گردد که آبدالیها در عقب و مجدداً قیام نکنند. لهذا برای استحکام روابط دوستانه سردار الله یار خان را با رتبه فرماندهی قوای شرق تلطیف و در ضمن ناحیه «مرو» و «ماهان» را هم یکی از صاحبان صادق و گذار نمود و کلیه قضایائی را که بعداً ممکن بود باعث اندیشه معظم له بشود رفع و بجهه غرب حرکت نمود.

در این جنگ با قوای اشرف و قوای ایران و قوای افغانه شمال در شهر هرات تسلیم شده اند، اشرف از ترس خودخواست قوای ایران را از سمت غربی تهدید نماید، بدین مقصود از اصفهان حرکت نموده برودی وارد بسطام میشود در محاربه مهجان دوست مغلوب شده به خط مدافعه سر دره خوار عقب نشینی اختیار نموده و در آنجا نیز با يك ضريت سخت منهزم و بطرف کاشان رجعت میکند. بالاخره با آخرین قوای خود در مورچه خورت در هم شکسته بطرف جنوب فرار و پس از مدتی سرگردان، در حدود جنوب شرقی ایران بکلی پريشان و معدوم میشود.

فصل سوم (۱۹)

جنگ با قوای اشرف

خلاصه وقایع : وقتیکه افغانه شمال در شهر هرات تسلیم شده اند، اشرف از ترس خودخواست قوای ایران را از سمت غربی تهدید نماید، بدین مقصود از اصفهان حرکت نموده برودی وارد بسطام میشود در محاربه مهجان دوست مغلوب شده به خط مدافعه سر دره خوار عقب نشینی اختیار نموده و در آنجا نیز با يك ضريت سخت منهزم و بطرف کاشان رجعت میکند. بالاخره با آخرین قوای خود در مورچه خورت در هم شکسته بطرف جنوب فرار و پس از مدتی سرگردان، در حدود جنوب شرقی ایران بکلی پريشان و معدوم میشود.

۱- وضعیت عمومی در آخر ذی حجه : در چهارم ماه ذی حجه ۱۱۴۱ کلیه قوای

دولت ایران متوقف در جبهه جنوب که در مقابل قوای اشرف تقریباً يك پرتجه پوشش تشکیل میدادند پس از حرکت قوای اشرف از شهر «کاشان» بطرف شمال شروع به عقب نشینی نموده از راه [قم - حسن آباد - ری - ایوان کسی - سرخه خوار - سمکان] تا حوالی قصبه «دامغان» رجعت اختیار کردند و بدین وسیله جبهه جنوب منابع مبدل بجبهه غرب گردید. نادرقلی که در این موقع تازه از جبهه شرق وارد شهر «مشهد» شده بود، فوراً حاجی بيك افشار را فرمانده جبهه جدید غرب نموده تا ورود خود به صحنه جنگ کلیه مسئولیت آن جبهه را بوی واکذار کرد.

موقعیکه بيك افشار وارد قریه «مهجان دوست» گردید وضعیت جبهه مزبور بسیار مغشوش و روحیه افراد بکلی خراب بود.

مجموع قوا در ابتدای ورود معظم له بجهه غرب به ۱۷۲۰۰۰ نفر بالغ بود یعنی جمعاًش فوج پیاده و ده دسته سوار و دوازده عراده توپ در صحنه عملیات موجود بود و پس از تنسيق و تشکیلات اولیه این قوا تقریباً به ۱۹۵۰۰ نفر رسیده و بقیه قشون در شهرهای «شاهرود» و «سبزوار» و «مهبان دوست»^۱ متفرق بودند.

بدیهی است این عده برای عملیات در میدانهای نبرد سمنان، دامغان، مهبان دوست و باغچه از برای دفاع قلعه‌های سمنان و دامغان کفایت نمینمود و به احضار قوای زیاده‌تری از نواحی شرقی خراسان محتاج بودند.

موضوع تجهیزات و سوق قشون برای دولتی که قریب چهل ایالت و ولایت را از دست داده و حالیه کلیه مملکت او منحصر و محدود به خراسان و استرآباد و هرات و مرو شده است نهایت صعوبت را داشت.

۲- تمرکز قوا در جبهه غرب : در خلال این اوقات، آنچه قشون در منطقه خراسان جمع

آوری میشد بطرف مغرب اعزام میکردید، این عملیات از تاریخ ۴ ذی‌حجه تا ۱۸ صفر ۱۱۴۲ بطول انجامید. قلاع (سمنان) و (دامغان) قبل از رسیدن قوای اشرف حتی المقدور تقویت شدند. ولی قوای «سیدال» که تقریباً ستون سوار نظام اشرف را تشکیل میداد از جلگه (خوار) بسرعت حرکت کرده راههای امدادی قلاع فوق‌الذکر را مسدود و چهار عراده توپ سنگینی را که از مشهد برای دامغان فرستاده شده بود در بین راه [مهبان دوست - دامغان] از دست ایرانیان گرفتند و بدین وسیله آخرین امید واری مدافعین را مبدل به یأس نمودند. نادر از محاصره شدن این دو قلعه فوق‌العاده در تشویش بود چه در صورت تسخیر آن قلاع بوسیله قوای اشرف، کلیه امیدواری معظم له از دست میرفت. از آنطرف ضبط این قلاع برای افاغنه اهمیت سیاسی بزرگی داشت. باتمام این احوال نادر تصمیم قطعی گرفت که دامغان و سمنان را از محاصره نجات دهد و برای این مقصود با اینکه پس از رسیدن قوای «سیدال» بمنطقه جنگی وقت و فرصت کافی هم باقی نمانده بود، باز مشارالیه توانست اردوئی مرکب از نوزده فوج پیاده و ده دسته سوار و بیست عراده توپ مختلف در جبهه غرب تحت ریاست بیک افشار تمرکز بدهد و طولی نکشید که قوای ذخیره را هم همراه خود به آن جبهه رسانیده يك قشون بیست و نه هزار نفری را در آن

منطقه نبرد آماده جنگ ساخت .

۳ - محاربه دهمان دوست : ۱۲ صفر ۱۱۴۲ قوای اشرف برسرقریه.

(۲۰) « قلعه میر » رفته ، پس از مقاومت

شدید و دفاع مردانه ، قلعه مزبور را تصرف و فرمانده مجاهدین را که « میرسیدعلی » نام بود اسیر نموده و از آنجا بمحاصره قلعه سمنان پرداخت و بفرمانده مقدمه الجیش « سیدال » نیز حکم کرد که از محیط دامغان گذشته بطرف مشهد تعرض نماید .

در تاریخ ۱۸ ماه صفر قوای « سیدال » در سمت قریه « مهمان دوست » حرکت و روز ۲۳ صفر با قوای ایران تماس حاصل نمود .

« سیدال » پس از زدوخورد خونین قوای مقدم ایرانیان را بطرف مشرق عقب راند . در این موقع اشرف سمنان را از هر طرف سخت محاصره نموده تلفات زیادی به مدافعین وارد میاورد روز ۲۳ موقعیکه قوای « سیدال » بطرف قریه (مهروشن) میرفت ، کلیه قوای ایران در آنجا مجتمع و قریباً خیال تعرض بزرگ داشتند ، قلعه سمنان بدست اشرف افتاده و اشرف بدون فوت وقت بطرف دامغان حرکت نمود و میخواست هرچه زودتر بقوای « سیدال » ملحق گردد قوای « سیدال » روز ۲۵ صفر به قریه (مؤمن آباد) رسیده روز بعد بدون اینکه از وضعیت قوای ایران در (مهروشن) اطلاعی حاصل نماید در شب ۲۷ ماه بحیال اینکه در قریه « مهروشن » فقط قوای مقدم ایرانیان (یعنی قوای حاجی بیک افشار) موجود میباشد مبادرت بشبیخون نموده ولی چون یک روز قبل از آمدن « سیدال » به آن منطقه ، قوای نادر از هر حیث حاضر بجنبش شده بود لهذا « سیدال » کاری از پیش نبرد و بطور پریشان بجانب قوای اشرف منبهم شد و روز ۳۰ صفر که عده وی بسیار خسته بود وارد قریه مهمان دوست شده و در همان وقت اشرف نیز وارد آنجا گردیده و به « سیدال » ملحق شد .

روز ۳ ربیع الاول قوای ایران بطرف (مهمان دوست) شروع بتعرض نمود و روز ۴ با قوای

افغانه تماس پیدا کرد .

روز - ۵ ماه در کنار قریه مهمان دوست قوای طرفین تلافی نمودند .

میزان قوای افغانه در آن تاریخ تغییر نکرده بود ، قوای اسلام خان که در قصبه طهران

بود ، از نرس قوای شمالی ایرانیان که در مازندران جدیداً تشکیل یافته بود مجبور شد که در همانجا

بماند ولی با این ترتیب موقع برای تعرض ایرانیان فوق العاده مناسب و مساعد بود، چه از حیث قوا بر اشرف تفوق کلی داشتند و میتوانستند با حملات شدید خود تا قبل از رسیدن قوای «اسلام خان» قوای حاضر اشرف را در هم شکسته و مغلوب سازند. ثانیاً چون عده جسور و سبك سواران «سیدال» در مصادمه قریه «مه روشن» پریشان و مغلوب شده بودند بدینجهت از حیث روحیه نیز افاغنه ضعیف بودند. بنا بر این وضعیت جنگ برای ایرانیان کاملاً مساعد بود و نادر قلی نیز بخوبی باین مطلب پی برده و سرعاً اقدام بچنگ نمود.

روز شنبه ۶ ماه در اواسط روز آتش چنگ - مهران دوست - با کمال شدت شعله ور گردید.

قشون نادر در کنار دره «نجر» مهران دوست به ترتیب ذیل استقرار یافته بود:

تیپ اول تحت ریاست گرجی خان در جناح راست جبهه.

تیپ دوم در تحت فرماندهی حاجی بیك در مرکز جبهه.

تیپ سوم بریاست علی خان آبدالی در جناح چپ جبهه.

کلیه سوار نظام و توپخانه با چند دسته مجاهد قوای احتیاطیه را تشکیل و در تحت امر مستقیم نادر قلی در پنجاه قدمی جبهه استقرار داشت و امر اکید صادر نموده بود که تا موفقیت حاصل نشود برای آنها جم حرکت نکنند. به تیپها نیز امر شده بود که در مواقع خود توقف نموده بوسیله آتش تفنگ و توپخانه با دشمن مقابله نمایند. (۲۱)

ظهر گذشته بود که تهاجمات افاغنه بخطوط اولیه ایرانیان از جبهه، و از جناحین با کمال شدت شروع گشته سواران آنها داخل جبهه شده مشغول مبارزه بودند. در این بین سواران ایران نیز بسرعت وارد جبهه پیاده های خود شده، سواران افاغنه را با تلفات زیاد عقب راندند در تهاجم دوم کلیه قوای افاغنه تشکیل سه صف داده از سه طرف با کمال تهور حمله نمودند؛ در نتیجه این حمله ایرانیان مجبور شدند تفنگها را زمین گذاشته با اسلحه سرد مقابله نمایند و نفرات توپخانه و قلعه و قرارگاه کل و پرستاران و خود نادر قلی نیز داخل جنگ شده قریب ده دقیقه

(۲۱) - «فوج فوج با توپخانه صاعقه بار محیط آن دریای خونخوار ساختند و مقرر شد که افواج ظفرپروژه»

«و دلبران انجم شکوه بهمان نهج گروه گروه در جای معین در کمال آرام و وقار ضبط عنان ثبات و قرار کرده»

«بدون امر همایون از جا در نیانند»

طرفین می‌جنگیدند، رفته رفته وضعیت میدان محاربه خیلی سخت شد و کشت و کشتار بمنتها درجه رسید. در این بین شیپورچیان فرمان حمله را تکرار میکردند و دره «نجر» از اجساد مقتولین مستور و از خون کشتگان مملو بود. میدان مقابله منظره دهشت‌آوری بخود گرفته، ناله مجروحین، شیبه اسبها، غرش توپهای طرفین فریاد، وفغان‌های اسیر، چاک‌چاک شمشیر، نبر، نیزه‌گوشها را برمی‌کرد. باین ترتیب آخرین حمله افغانه نیز دفع شد، جمعی از جوانان نامی ایشان که همیشه در جنگها پیش قدم و در عرصه خصم افکنی رزم ساز بودند، کشته شده و نصف کلیه قشون اشرف در این میدان خون بار بقتل رسیدند، اشرف هرچه کوشش نمود که برای دفعه چهارم مبادرت به حمله نماید. ولی دیگر موفق نگردید.

پس از دفع حملات متعدد افغانه، باز نادر اجازه تعرض بقشون خود نداد. زیرا که معظم له میخواست نظم و انضباط میدان نبرد را همیشه در دست نگاهداشته، فقط در ظهور وضعیت مناسبی شروع بتعرض نماید.

بدین جهت پس از شکست ناقص قوای افغانه، ایرانیان مدتی آنها را با آتش توپخانه و تفنگ پریشان ساخته، بعد از جناحین جبهه سوار نظام را برای تهاجم اولیه آماده ساختند. در این بین که ایرانیان از جناحین حاضر به تهاجم شده بودند، اشرف مجدداً بقیه السیف قوای خود را سه ستون کرده از سه طرف جلو ریز و با شمشیرهای آخته بطرف جبهه اصلی ایرانیان حمله نموده محاربه بالنسبه خونینی مجدداً در گرفت.

چون نادر فهمید که افغانه دیگر بحال و طاقت پیش بردن را ندارند؛ لهذا با شیپور حکم حمله متقابل را اعلان و خود معظم له با فوج سوار کارد از جناح راست در تعقیب قسمت بالای دره «نجر» که بوسیله راه یاریکی بطرف قریه «مهران دوست» امتداد می یافت شروع به تهاجم نمود. متعاقب فرمان هجوم کلیه قوای ایران از خط اصلی پیش آمده در وسط دره «مهران دوست» با افغانه دست به یقه شده قریب سه دقیقه مقاتله نموده و در نتیجه احاطه شدن قوای افغانه از سمت شمال و همچنین تهاجم دوم سواران ایران از طرف جنوب «مهران دوست» آخرین امید افغانه را قطع نمودند. افغانه از مشاهده این وضعیت بکلی پریشان و بلا تکلیف مانده بود. در این موقع توپخانه در بالای دره نجر اتصالاً کلیه نقاط میدان نبرد را مورد شلیک

قرار داده در هر نقطه که یکنفر سرباز افغان دیده میشد، بدان سمت تیر اندازی نموده و در تقویت روحیه افراد ایران فوق العاده مؤثر واقع میشد. از طرف دیگر کلیه توپخانه افغانه را ساقط نموده اثری از آنها باقی نمانده بود.

بالاخره افغانه از هر سمت مورد تهاجم ایرانیان واقع گشته از هر طرفی که هجوم آور شدند، خود را در دریای آتش شناور دیده بجانب عقب شروع به رجعت کردند ولی وضعیت محاربه طوری برای آنها خطرناک بود که عقب نشینی بدون تلفات غیر ممکن بود. لیکن يك عده از افغانه در کنار دیوارهای «مهمان دوست» در دور بیرق دار کل جمع شده مدافعه می نمودند. در این بین نادر وارد مهمان دوست شد و امر داد که برای تخریب دیوارهای قصبه مذکور يك قسمت از توپخانه را از دره گذرانده شروع به تیر اندازی نمایند.

امر معظم له در عرض چند دقیقه صورت گرفته، چهار توپ سبك آخرین عده افغانه را مورد شليك قرار داده بیرق دار ایشان با عده دور خود از پای درآمدند. در این موقع اشرف با يك عده مختصر در بالای تپه های غربی «مهمان دوست» بود، پس از مشاهده میدان نبرد لوای اقبال را سرنگون دیده حکم عقب نشینی قطعی را صادر و توپخانه و قرارگاه خود را جا گذاشته و مانند بخت خود برگشته رو بگریز نهاد. جمع کثیری از افغانه و رؤسای نامی ایشان مقتول و زنده دستگیر شدند و عقب نشینی اشرف باعث ختم محاربه گردید. فقط در سمت جنوب میدان محاربه يك عده مختصری از طرفین مشغول زد و خورد بودند، موقع غروب منازعه خونینی در حدود «تك درخت» که چندین مرتبه بین متخاصمین رد و بدل شد در گرفت و بالاخره در دست ایرانیان باقی ماند و تقریباً شش بعد از ظهر کلیه افغانه بطرف مغرب عقب نشستند و حلول شب باعث انقطاع تعاقب گردید.

نادر در آن شب در مغرب قریه مهمان دوست اردوگاه معظمی ترتیب داده و سواران را نیز يك ترسخ جلوتر فرستاده که در آنجا اردو بزنند.

اشرف در این نبرد خونین بزحمت ده هزار نفر را با خود خلاصی داده بطور پریشان بطرف دامغان و سمنان فرار کرد، تلفات طرفین فوق العاده زیاد بود.

در ساعت ۹ بعد از ظهر دست از تعاقب برداشته و سکوت عمیقی همه جا را فرا گرفت زیرا کلیه قوا خسته و فرسوده و خصوصاً سواران با دادن تلفات بسیار، در تمام جبهه پراکنده گردیده

و ار.وی حاجی بیک که قدری جلو رفته بود سمت عقب نشینی افغانه را نیز کم کرد. غلبه «مهمان دوست» برای نادر خیلی گران تمام شد ولی از نقطه نظر تعبیه الجیش و سوق الجیش بسیار نتیجه خوبی بدست داد. چه نصف قوای اشرف تلف و کلیه توپخانه وی در جا مانده بود. اگر قوای اسلام خان که در این موقع در طهران بود، وجود نداشت، میتوان گفت که اشرف بکلی مضمحل می شد، ولی چون اشرف از قوای اسلام خان امیدواری داشت لهذا ممکن بود یا هر «سر دره خوار» و یا در «ورامین» به attack قوای اسلام خان موفقیتی احراز نماید.

فصل چهارم (۲۲)

محاربه سر دره خوار

خلاصه عملیات: محاربه سر دره خوار در سه مرحله میتوان مشخص نمود:

- ۱ - ایرانیان با عملیات دورانی شروع بتعرض مینمایند، در این بین ایرانیان غفلت گیر میشوند ولی در نتیجه جرئت و شجاعت فوق العاده، موفق به ترمیم وضعیت خود میشوند.
- ۲ - ایرانیان فتوحات خودشانرا نمیتوانند توسعه بدهند. افغانه خودشانرا متمرکز نموده جداً بمدافعه می پردازند.
- ۳ - قوای اسلام خان در سر دره خوار مغلوب و منهزم میشود و اشرف در نتیجه عملیات دورانی ایرانیان ترك میدان محاربه مینماید و طهران فتح میشود.

۱ - موقعیت ایرانیان: اگر چه نادر قلی عجله داشت هر چه زودتر قضیه اشرف را خاتمه دهد، ولی شاه طهماسب و طرفدارانش مایل بودند که به تعویق افتد. حرکت از اردوگاه مهمان دوست روز یکشنبه - ۷ - ربیع الاول در سه ستون و یک قسمت جلو دار در تحت امر حاجی بیک افشار شروع شد و در ضمن به قوای مازندران که در تحت فرماندهی حسینقلی خان در (ساری) استقرار داشت حکم شد که هر چه زود تر از [فیروز کوه - حلبه رود - ننه کوه - ادران] خود را به جلگه خوار برسانند و نیز مخفیانه بکلیه ولایات ایران که در تحت تسلط افغانه

واقع بودند، فتح بزرگ مهمن دوست اعلان و اخطار گشته و امیدواری برای آتیه داده شد. نادر به این وسیله دیگر احتیاج به جمع‌آوری عده نداشت چه از جوان و پیر هر که فتح وظفر مهمن دوست را میشنید فوراً از پیراهه خود را به قوای قرارگاه نادر میرسانید.

حقیقه فتح «مهمن دوست» در سرنا سرملکت ایران احساسات مهمی را به غلیان آورده و دیگر طغیان ملت بر ضد افغانه علنی شد.

روز دوشنبه ۹ ربیع الاول اردو وارد «دامغان» شد، روز بعد بطرف سمنان حرکت نموده و روز ۱۵ ماه داخل جلگه خوار گردید و با قوای مازندران که از راه حلبه رود وارد بنه کوه شده بود پس از زد و خورد مختصری با سوارهای افغانه، بقوای ادر ملحق شد و چون اکتشافیون اردو وجود قوای افغان را در دهنه «سردره خوار» اطلاع دادند لذا اردو جلوتر از (ادران) رفته دو روز در همانجا ماند.

۲- موقعیت افغانه: چنانچه در فصل سوم ملاحظه شد، اشرف پس از شکست

در مهمن دوست از شب ۷ - ربیع الاول شروع بعقب

نشینی کرده بود. در موقع رجعت کلیه نواحی دامغان، بسطام، سمنان دهنمک را غارت و اهالی را قتل عام نموده بطرف جلگه خوار و رامین میرفت، چون عملیات تعاقبی ایرانیان بطور تائی انجام میگرفت لهذا اشرف توانست روز ۱۳ ماه خود را به ادران برساند و در این موقع قوای اسلام خان که ساخلوی شهر (طهران) را تشکیل میداد پس از مغلوبیت مهمن دوست مجبور شد که برای تقویت قوای بقیه السیف اشرف بطرف مشرق حرکت نماید و روز ۱۳ ماه در جلگه خوار به وی ملحق شد و هر دو قرار گذاشتند که قدری عقب رفته در دهنه (سردره خوار) خط مدافعه تشکیل و مجدداً با قوای نادر بجنگند.

با اضافه شدن قوای اسلام خان کلیه قوای اشرف به ۱۸۰۰۰ نفر میرسید ولی از حیث توپخانه خیلی ضعیف بودند، چه يك قسمت مهم توپهای آنها در میدان نبرد مهمن دوست جامانده بود و توپخانه‌ای که اسلام خان از طهران همراه آورده بود بیش از نه عراده نمیشد. با وجود این اشرف بنا بر انکاء قوای جدید الورود مجدداً خواست برای آخرین دفعه بخت خود را به آزمایش در بیاورد.

۳ - وضعیت طبیعی و نظامی سر دره خوار :

خط مدافعه جدید افغانه که در سر دره خوار احداث شده است در میانه دو کوه بالنسبه مرتفع واقع و سختی معبرش طور است که ستونهای طرف مهاجم نمیتوانند مجتمعاً عبور نمایند. ولی يك راه دیگری از کوههای جنوبی دهنه و از کنار کویر وجود دارد که میتوان از آنست خط استحکامات سر دره خوار را تهدید و اگر مهاجمین دارای سوار نظام قوی بوده باشند میتوانند [از آن جناح دور زده بدون اینکه در دهنه معبر متحمل تلفات سنگینی شوند خود را از مقابل (ایوان کی) بر روی خط سوق الجیشی اصلی برسانند.

وضعیت طبیعی سمت شمالی معبر دارای عوارضات طبیعی زیادی میباشد که عبور و مرور ستونها بسیار مشکل و فقط پیاده نظام میتواند به تنهایی حرکت نماید.

امتداد دره با بودن پدج خم زیاد خیلی طولانیست و بتدریج ارتفاع آن بطرف مقرب زیاد شده و بالاخره در آخر آن نیز خط دوم طبیعی وجود دارد که میتوان با قوای کم از تهاجمات خصم با کمال آسانی جلوگیری نمود.

نهری که از وسط دره میگذرد، فقط در مواقع زمستان و بهار در آن آب یافت میشود ولی هیچ وقت مانع عبور نمیشود، مگر در بارندگی های زیاد که سیل در آن جاری شود. خلاصه سر دره خوار اولین دروازه شهر طهران را تشکیل داده، يك خط مدافعه بسیار محکم محسوب میگردد.

۴ - تعرض به خط مدافعه سر دره خوار : روز ۱۸ ربیع الاول قوای ایران از قصبه «آدران»

بطرف قشلاق حرکت نمود.

در روز ۱۹ ماه قوای عمده در اطراف قصبه (قشلاق) که بواسطه شعبه اصلی حلبه رود پوشیده بود مستقر گردید.

در این موقع وضعیت افغانه کاملاً معین شد، قوای اسلام خان و سیدال در دهنه سر دره خوار موقعیت اتخاذ نموده و قوای سوار نظام اشرف نیز در تحت امر مستقیم خود يك منزل دور تر و در سمت جنوب غربی سر دره خوار در حدود شرقی ورامین قرار گرفته بود. ولی چیزی که برای

نادر مجهول بود، وضعیت راههای کوپا به بود که از جلگه خوار بطرف دماوند متمد میشوند. آیا قوای دشمن در آن طرف ها وجود دارد یا نه...؟ چه در صورت وجود قوای خصم در آن راهها، جناح راست جبهه سوق الجیشی ایرانیان بخطر افتاده بالاخره اسباب زحمت میشد. بنابراین نادر برای اینکه در دهنه معبر بتواند با سودگی بمحلات مجدانه مبادرت ورزد، عده از سوار نظام را برای جناح چپ یعنی به راه کویر مأمور ساخته و قریب یکصد نفر سوار را نیز برای کشف راههای کوپا به بطرف شمال غربی اعزام نمود و به آنها دستور داد که با داشتن ارتباط با قوای اصلی بطرف دماوند بروند و پس از اشغال قصبه مذکور و اخذ نفرات از برای تقویت خودشان از راه [دماوند - جاجرود - سرخ حصار] بطرف طهران تعرض نمایند. (۲۳)

بستون کویر نیز دستورانی داد که اگر با قوای اشرف مصادف نشوند بدون اینکه در جستجوی وی بروند مستقیماً از کوه نمك دور زده به قصبه ایوان کی تعرض نمایند ولی در صورت اجبار موقعیت جنگی، فرمانده سوار میتواند بقوای اشرف تعرض نماید.

روز ۲۰ ماه هر دوستون از قوای اصلی مجزا گشته شروع بحرکت نمودند.

شب بیست و یکم نیز پس از غروب آفتاب قوای اصلی که قریب چهارده هزار نفریاده بود با چهارستون بطرف سر دره خوار شروع بتعرض نموده و نصف شب به دهنه رسیده و بدون اینکه منتظر صبح باشند ستونها وضعیت جنگی بخود گرفته با صف جمع یعنی هر ستون از حالت ستونی به وضعیت صف نبرد در آمده و هر صفی را هزار نفر تشکیل و در پشت سر آن صف دوم از پانصد نفری و بعد از آن صف سوم از دویست و پنجاه نفری حرکات مینمود. در این بین که کلیه صف ها پیش میرفتند غفلتاً مورد تعرض افاغنه واقع شده و بدون اینکه طرفین از هدفهای خود اثری مشاهده نمایند داخل مقابله سخت شدند. طولی نکشید این همه جمعیت روی يك جاده

(۲۳) - در جهانکشی نادر صفحه ۶۴ - سطر - ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰: راجع به تعرض ایرانیان به خط سر دره خوار

این طور مینویسد:

«... بعد از وقوف بر اینحال از سمنند سبك سیر پیاده گشته پنج شش هزار کس از تفکچیان خذیمه ونخمی»
 «و لالوئی را که پلنك قلعه جنگجوئی بودند فوج فوج مقدمه الجیش کرده بسمت شرقی و غربی کوه تعین و توپخانه»
 «و زنبورك را از وسط راه راهی کرده خود چون کوه یا برج دامن همت بر کمر استوار کرده بیورش پرداختند»
 «و بعکم هایون توپچیان چابك دست آ نشین چنك از میان دره تنك بدافع»

تنگ بهم فشرده شده، نادر قلی قادر بر استعمال اسلحه ناریه و استفاده از سایر صنوف خود نه بود، اردوی مقدم وی تقریباً سینه به سینه با دشمنیکه هر دقیقه بعد آن افزوده میشد طرف بود و صاحب منصبان و افراد پیاده، سوار، توپچی، نقلیه مخلوط بهم و بدون رعایت نظم و اصول حربی هر فردی به قدر توانائی و جسارت و تهور خود فقط برای حفظ جان خویش محاربه میکرد. در یک چنین موقعیکه امید فتح تقریباً قطع شده بود، نادر با جلال خان آبدالی موفق شد که با دوست نفر مستحفظین خود از روی بریدگی جاده تلال کشتگان و مجروحین که راه حمله را مسدود کرده بودند عبور نماید و هر قدر که جلو میرفتند حتی الامکان نظم را بین سربازها برقرار نموده، دشمن را از هم میپاشیدند. در این بین سربازان نادر فریاد میزدند که: ایرانیان.. پیش.. پیش بروید...! ما جلوتر از شما هستیم.. بما برسید... دشمن شکست خورد...! در تعقیب این فریادهای امید بخش یکدفعه از هر سمت غریو هورا بلند شد و همه با شمشیرهای آخته حمله نموده سرعت پیش میرفتند، ولی طولی نکشید قوای افغانه از وسط دره بطرف سنگرهای اولیه خود برگشته شروع به مدافعه مینمایند. چون تاریکی شب از عملیات پیشروی مانع بود لهذا شیپور ایست... زده شد و تا سفیده صبح محاربه منقطع بود.

روز ۲۱ ربیع الاول قبل از طلوع آفتاب اردوی نادر که از این شب موحن خلاص شده بود، مجدداً بطرف سنگرهای افغانه شروع بتعرض نمود. ولی توپخانه خیلی از صفوف پیاده دور بود و از شدت و تحکم توپخانه افغانه که در طرفین معبر یا در بالای تپه بطور صحت آماده بجنک شده بودند، بدین جهت توپچی های ایرانیان نمیتوانستند جلوتر رفته پیاده های خود شانرا حمایت کنند. لهذا نادر فهمید که در چنین موقع نمیشود منتظر توپخانه شد، بنا بر این حکم تهاجم را با شیپور اعلام نمود. کلیه قوای موجوده بطرف سنگرهای افغانه شروع به هجوم نمودند، در اینوقت دو باره نائره قتال بشدت هرچه تمامتر اشتعال یافت.

مواضع قوای افغانه بسیار محکم و خصوصاً مواضع آتشبارها قبل از شروع نبرد طوری انتخاب شده بودند که کلیه صفحات میدان محاربه را در زیر تأثیر آتش خود قرار میداد، بدین جهت تلفات ایرانیان خیلی زیاد شده و محاربه با کمال شدت ادامه داشت ولی قوای طرفین بهیچوجه تناسب نداشت زیرا افغانه قریب ده هزار نفر و قوای نادر در وسط معبر پانزده هزار نفر بودند. لیکن با وجود این، قوای نادر نتوانست افغانه را با این حمله ثانوی شکست داده و آنها را منهزم

سازد. زیرا سلحشوران اسلام خان شانه بشانه هم ایستاده و با سپرهای بلند و شمشیرهای تیز خودشان تشکیل حصار روئین محکمی میدادند.

چندین مرتبه هجوم از طرف ایرانیان تجدید شد و سعی کردند که قوای اسلام خان را در هم بشکنند لیکن تهاجمات بی نتیجه مانده و مجبور شدند قدری عقب رفته با حمایت توپخانه مجدداً پس از توحید عملیات شروع بتهاجم نمایند.

کلیه قوای نادر تقریباً دوست قدم عقب رفته بحال بزانو شروع به تیراندازی باتفنگ نمودند. در این بین هفت عراده توپ نیز وارد دهنه معبر شده به سختی داخل موضع نبرد گردید و شروع به تیراندازی نمود. مدت يك ساعت محاربه با اسلحه تاریه طول کشید ولی با اسلحه که قشون در دست داشت، حصول نتیجه قطعی به این زودیها ممکن نبود، و اگر محاربه هم بطول انجامد، ممکن است قوای دیگر افغانه از حدود ورامین به کمک آنها آمده وضعیت را مشکلتر نماید. لهذا نادر مصمم گشت که وقت ظهر مجدداً شروع بتهاجم نماید. محاربه با وضعیت پیش ناظر دوام داشت ولی بعد از ظهر قوای ایران بترتیب ذیل مجدداً شروع بتهاجم نمود: بانصدنفر به سمت سنگرهای مراکری افغانه چهار هزار نفر بطرف سنگرهای دست راست افغانه که در کمرتپه های شال سر دره خوار استقرار داشتند مأمور تهاجم شدند.

پنج هزار نفر عده را نیز بطرف سنگرهای جناح چپ افغانه اعزام و خود معظم له نیز با دو هزار نفر در قوای احتیاط ماند که در موقع لزوم برای تقویت حاضر باشند.

تهاجم آخر بفرمان واحد شروع شد. منازعه خونین در هر سه منطقه که چندین مرتبه تپه های بین متخاصمین رد و بدل میشد در گرفت و بالاخره تپه های مهم در دست افغانه باقی ماند.

در خلال این اوقات از ستونهای جناحین که روز قبل یکی بسمت شال غربی و دیگری بطرف جنوب غربی اعزام شده بودند خبر رسید و دایر بر این بود که در قسمت شال غربی از دشمن اثری دیده نشده و قصبه «دماوند» در تحت تصرف ایرانیان واقعست.

و نیز خبری که از حدود ورامین آمده است شامل بر چندین قول بود اولاً اشرف در حدود «کله دار» بوده و بنه های قوای وی از حدود هوازده امام بطرف جنوب در سمت قم در حرکت هستند. ثانیاً راه بین ایوان کی - ورامین باز بوده اثری از دشمن پیدا نیست.

با وجود خبرهای پیچیده و مبهم باز نادر بطور کلی از جناحین جبهه سوق الجیشی خاطر جمع شده و کلیه افکار خود را بجهه تاکتیکی ستون مرکزی مصروف نموده و بطور قطع! هجوم اجباری را سرمشق قرار داده مجدداً بجهه افغانه حمله کرد.

بر طبق اصول تاکتیکی که؛ نادر اغلب در محاربات «کافر قلعه» بکار برده بود، توپخانه در تحت حمایت جسورانه پیاده نظام قدری جلو آمده ارتفاعات طرفین دره را اشغال و شروع به تیراندازی نمود.

مانند محاربات قبل نادر قلی در صدد اجرای عملیات احاطه ای به جناحین خصم نمود ولی بعلم بلندی زمین و نداشتن اطلاعات کافی از وجود قوای اسلام خان، موفق نمیشد. محاربه بدین ترتیب در توی دره با کمال شدت ادامه داشت، بعد نادر دانست موقع رسیده است که غلبه یا مغلوبیت ظاهر گردد، لهذا عده مخصوص خود را تحت حمایت توپخانه ساکت و کلیه پیاده نظام طرفین با اسلحه جارحه داخل مقاتله شدند. نادر آخرین سرباز خود را نیز داخل معرکه نمود و طولی نکشید که جبهه افغانه در سه نقطه در هم شکست و همچنین در تحت تهدید احاطه شدن در جناحین، افغانه مغلوب و بطرف مدخل غربی سر دره خوار عقب رفتند. ولی در نتیجه فقدان سوار نظام و تلفات سنگین، نادر نتوانست آنها را کاملاً تعاقب نماید. موقع غروب نادر قوای خود را در توی دره جمع آوری و پس از اعزام يك دسته سوار بطرف مغرب دره برای خارج نمودن کلیه فراریان افغانه از کوههای اطراف و همچنین تأسیس ارتباط با ستون جنوب که بواسطه کوه نمک از قاعده معمولی بیشتر قطع ارتباط نموده بود، بسمت «ایوان کی» عازم شد، قصد او این بود که قبل از الحاق دستجات مختلف افغانه، به قوای فراری اسلام خان تلاقی و آنها را مضمحل کند.

ولی در نتیجه شکست سر دره خوار افغانه تصمیم گرفتند که با اجتناب از تلاقی کامل از جلگه ورامین و ایوان کی بطرف طهران عقب نشینی نموده و در صورت امکان در کوه شهریانو منتظر قوای رشید خان و عنایت الله خان گردند، بدین طریق نادر قلی در موقع پیشروی بطرف ایوان کی در مقابل خود فقط قسمتی از عقبدارهای افغانه را یافت که به تعویق انداختن پیشروی معظم له قناعت مینمودند.

نادر تمام شب را با عملیات پیشروی گذراند، بارندگی های زیاده نظامیان را خسته و پریشان نموده، ولی عشق فتح و ظفر آنها را به تعقیب خصم وادار مینموده.

قشون در نوبی دره با داشتن پهلودار و جلو دارهای قوی بطور آهسته تا صبح حرکت نموده قبل از طلوع آفتاب مقدمه ستون به ایوان کی نزدیک میشود.

در روزهای ۲۰ و ۲۱ ماه عملیات قهرمانانه ستون سوار حاجی بیک ایوان کی را به تصرف ایران داد. زیرا که مشارالیه پس از دو روز عملیات دورانی در حدود کویر و کوه نمک و کوه کچ و پس از زد و خورد مختصر با سواران اشرف در حدود شمال شرقی ورامین، خود را به «ایوان کی» رسانیده کلیه بنه و ذخایر جنگی قوای اسلام خان را بتصرف در آورده بود.

روز ۲۲ - ماه صبح ساعت ۹ ستون اصلی نیز در زیر باران شدید وارد قصبه مزبور شده آن روز اردو مجبوراً در آنجا توقف نمود.

۵ - پیشروی بطرف طهران: روز ۲۳ ماه با وجود اینکه خطوط عقب نشینی خصم در روی چند جاده ادامه یافته بود، باز نادر در تصمیم پیشروی مستقیم بطرف شهر (طهران) ثابت قدم بود، چه در صورت تصرف شهر مزبور، در تمام ولایات افکار عموم را بطرف خود جلب و برای تشکیل دستجات داوطلب مجاهد وسیله مؤثری فراهم خواهد آورد. بدین جهت صبح کلیه قوا را در سه ستون بطرف طهران حرکت دادستونها بر تریب ذیل بودند:

- قوای عمده که (۱۵۰۰۰) نفر بود در روی جاده [ایوان کی - کله او مر - طهران] در تحت امر مستقیم فرمانده کل قوا.

- ستون راست که (۱۸۰۰) نفر میشد در خط [دماوند - جاجرود - سرخ حصار - طهران] به ریاست حسینقلیخان حرکت نمود.

- ستون سوار نظام که (۵۰۰۰) نفر سوار در راه [ایوان کی - شهر ورامین - شهزاده عبدالعظیم - طهران] در تحت ریاست حاجی بیک افشار.

این صورت بندی سوق الجیشی نادر تقریباً با تمام پیش آمده ها قابل تطبیق بود، چه اگر افغانه بطرف طهران عقب نشینی نمایند، ستون راست که هر دقیقه به عده آن افزوده میشد به آنها در آویخته و قوای عمده خواه برای تهاجم به آنها در کوههای (شهربانو) و (ری) و خواه برای راندن

ایشان بجلگه غار و پشاپویه به کمک خواهد آمد، زیرا که سمت حرکت ستون راست در رأس منطقه مثلثی واقع شده است که رأس آن (طهران) و قاعده آن (دماوند) و جلگه (ورامین) میباشد و هرچه بطرف مغرب برود به خط اصلی ستون عمده نزدیک میشود.

و اگر افاغنه به قوای حاجی بیک متوجه شوند امید خواهد بود که ستون عمده در نتیجه وضعیت منطقه جنگی از آنها جلو افتاده در هر آن میتواند خود را به بکمک حاجی بیک برساند.

بالاخره در صورتی که افاغنه مجتمع شده در خط کوههای شرقی طهران حالت تدافعی اتخاذ و منتظر محاربه گردند، آنوقت هر سه ستون بنابر وضعیت سوق الجیشی که داشتند میتوانند با کمال راحتی بخطوط آنها حمله نموده و ستونهای جناحین نیز از شمال و از طرف جنوب به عملیات دورانی مبادرت میورزیدند.

روز ۲۴ - ماه تام روز قوا در حرکت بود. موقع غروب ستون راست به جاجرود، ستون عمده به (خاتون آباد) رسیده و ستون چپ مجدداً داخل جلگه ورامین گردید.

روز ۲۵ - ماه طرف ظهر پیشروی ستون راست در شمال در روی خط [جاجرود - سرخ حصار] و عملیات دورانی منظم ستون سوار نظام در طرف چپ جبهه سوق الجیشی، باعث عقب نشینی افاغنه از خط مدافعه [زندان - کوه بی بی شهربانو] گردید.

چون از مقصود افاغنه اطلاع صحیحی در دست نبود، نادر با قوای عمده به خط بالای [سرخ حصار - زندان - کوه بی بی شهربانو] آمده و بطرف طهران اکتشافیون قوی اعزام داشت و قوای عمده نیز در خط مذکور قرار گرفت. طرف غروب بوسیله مأمورین اکتشاف غربی و شمالی و جنوبی و همچنین راپورت جامع ستون سوار نظام، وضعیت عمومی افاغنه در جلگه غار و پشاپویه واضح و معلوم شد که قوای اسلام خان طهران را آتش زده (۲۴) بطرف جلگه شهریار عقب مینشینند و قوای پربشان اشرف نیز از حدود پشاپویه از قوای اسلام خان مجزا گشته بطرف قم به عملیات رجعتی خود ادامه میدهد. بدین طریق معلوم شد که قشون ایران کلیه قوای منهزم افاغنه را بدو قسمت (که تقریباً سی کیلومتر فاصله بین آنهاست) تقسیم نموده و ممکن است هر یک ز آنها را جدا گانه از میان بردارد و فقط تعیین آنکه آیا ابتدا به انجام کار کدام یک از آنها باید

(۲۴) - افاغنه طهران بعد از شنیدن خبر شکست بموجب اعلام اسلام خان معتبرین بلد را بیان ارگی که

در کنار شهر احداث کرده بودند جمع و بصدقه تیغ نیز بنیاد حیات ایشان را قم کرده...

جهانکشی نادرى صفحه ۶۳ سطر ۱۵

پرداخت قدری اشکال داشت زیرا که شهر قزوین در پشت سر اسلام خان و قم در عقب اشرف تقاطع مواصله مهمی را تشکیل داده، ممکن بود در آنجا قوای جدیدی تمرکز یافته باشد...

چون در هر صورت اشغال شهر طهران واجب بود، لهذا نادر فوراً دستورات لازمه را صادر و در اواسط شب بطرف طهران حرکت نمود. دو ساعت بعد از نصف شب شهر طهران بدون زد و خورد تسخیر و در قسمت شمال آن اردوگاه بزرگی برپا گردید.

روز ۲۶ - ماه قوای عمده در طهران و ستون سوار نظام در شهزاده عبدالعظیم و فوج طهران در خط کرج و فوج مازندران در خط رباط کریم استقرار داشت.

فتح شهر مهم « طهران » که در قرن هیجدهم میرفت اهمیت سیاسی پیدا کند پیشرفت قدرت سیاست دولت را که در محاربات شرق در تمام فتوحات غرب واضح گردیده بود روشن و آشکار کرد.

حکومت ایران که قلمرو آن یک سال قبل منحصر به حدود خراسان بود، حالا دیگر شامل ولایات استرآباد، مازندران، تنکابن، گیلان، عراق عجم شده و نفوذ سیاسی و نظامی آن بسایر ایالات و ولایات هم سرایت کرده و هر روز دسته دسته اولاد وطن در دور اردوی غیور نادر جمع می شدند و کمکهای مادی و معنوی اهالی خارج از حد تصور بود. اردو مدت دو هفته در طهران ماند و در این مدت کلیه نواقص اردو از هر حیث رفع و برای وارد ساختن آخرین ضربت به دشمن حاضر شده بود.

۶ - **تاخت و تاز سوار نظام ایران :** نادر، از این اقدام مقاصد ذیل را در نظر داشت:

۱ - کلیه راههای سوق الجیشی اطراف شهر « طهران » را کشف نموده محل تمرکز قوای عمده افغانه را پیدا کند.

۲ - ارتباط قلعه « قزوین » را با قوای اسلام خان قطع نموده، نگذارد اتحاد فی مابین دو قشون (عثمانی و افغانه) صورت عملی پیدا کند، چه در صورت ملحق شدن قوای عثمانی، عظیم شهر همدان مخاطره بزرگی برای قوای ایران فراهم گشته و ممکن بود در نتیجه الحاق این دو قشون، کلیه فتوحات هفت ماهه معظم له از بین برود؛ بنا بر این نادر قلی قوای حاجی بیک افشار را مأمور نمود که در روی خطوط جنوبی طهران مخصوصاً در جلگه های پشاپویه، شهریار، ساوجبلاغ، دهر، تاخت و تازی بعمل آورده کلیه فراریان افغانه را از غرب بطرف جنوب براند و همچنین بر رؤسای قشون « تنکابن » و گیلان و لاهیجان و اوسالم نیز که در تحت ریاست اغورلو خان و حسین قلی خان

تشکیل یافته بود، احکام جنگی صریح و قطعی صادر شد که هر طوری میسر است از کوههای «فشند» عبور و ارتباط شهر و قلعه «قزوين» را با قوای اسلام خان مقیم ساو جبالغ قطع نموده خود را بقوای حاجی بیک رسانیده برای الحاق بقوای عمده بطرف جنوب بسمت جلگه ساوه و زرنند در حرکت باشند.

روز - ۲ - ربيع الثاني این قوا در جوار شهزاده عبدالعظیم تمرکز یافت و به دو ستون در خط غار و پشاپویه و شهریار حرکت نمود.

روز - ۳ - ربيع الثاني که این قوا در جلگه غار و پشاپویه راه پیمائی مینمود، هوا مساعد و تمام ما بحتاج در عرض راه فراهم بود. ستونهای فوق خارج از جاده با فاصله قریب دو فرسنگ از یکدیگر حرکت میکردند. در عرض دو روز جلگه های غار و پشاپویه و شهریار طی شد ولی نقشه های کاملی در دست نبود و بهر ستونی حکم شده بود که کلیه قراء و راههای اطراف را کشف نموده، همیشه بسمت مغرب حرکت کنند.

روز - ۴ - ماه در قصبه «رباط کریم» اطلاع حاصل شد که يك قسمت قوای افغانه در حدود «کاروانسرا سنگي» واقع در جنوب رباط کریم، متمرکز و خیال تعرض بطرف شهر «طهران» دارند. بنابراین فرمانده قوا (حاجی بیک) آن روز کلیه عده راجع و بطرف کاروانسرا سنگی حرکت نمود. در آن روز طرف عصر به افغانه بر خورده، پس از زد و خورد خونین آنها را بطرف جنوب رجعت داده در نتیجه تعاقب سریع، کلیه سواران، افغانه برودخانه شور داخل و عده زیادی از آنها در آب غرق شده و يك قسمت اسیر میشوند.

آن شب قوای ایران در وسط راه توقف نموده و ضمناً قسمتی از بنه های افغانه را که پشت تپه ها مانده بود تصرف مینمایند. روز بعد قوا تغییر سمت داده از راه [پلنک آباد - اشتهارد - فارس آباد] بطرف شهر «قزوين» رهسپار میشوند. در عرض راه به دستجات ضعیف فراری افغانه مصادف گشته داخل منازعه میشوند.

روز بعد این قوا ب حرکت خود ادامه داده و بالاخره روز ششم ماه به حدود قزوين رسیده به اتفاق عده اغورلو خان و حسین قلیخان به استحکامات شهر حله میآوردند و پس از دو ساعت محاربه قوای احمد خان پسر اسلام خان که بایک هزار نفر نظامی آنها را مدافعه مینمود، مغلوب نموده شهر را بتصرف در میآورند. بدین ترتیب پس از فتح و تسخیر شهر قزوين ارتباط نواحی شمال غربی ایران دایر و نفوذ حکومت نادر تا به حدود کوههای (سهند) و (سبلان) امتداد پیدا نمود.

فصل پنجم (۲۵)

تعرض سوم

محاربه مورچه خورت

شرح وقایع : قشون نادر روز ۱۱ ربیع الثانی ۱۱۴۲ با دو ستون سوق الجیشی بطرف جنوب حرکت میکند و مانع الحاق قوای عثمانی و افغانه شده و در تاریخ ۲۰ ماه در حدود « مورچه خورت » بکلیه قوای افغانه شکست داده قریب سه فوج قوای امدادی عثمانی را که از بی راهه بکمک افغانه آمده بودند در آن محاربه اسیر و بعد با یک راه پیمائی فوق العاده سریع مقر حکومت اشرف را که (اصفهان) بود (۲۶) فتح مینماید .

۱ - وضعیت عمومی در اوایل ربیع الثانی

پس از دخول بشهر طهران نادر قلی نمی توانست به تعرض اولیه خود ادامه دهد . زیرا افغانه در بین [خرقان - ساوه - قم] پراکنده و قوای عثمانی که مدتی بود در شهر همدان توقف داشتند معلوم نبود که در مقابل شکست متفق خود (یعنی افغانه) چه تصمیمی اتخاذ خواهند کرد ؟ در صورتیکه قوای نادر بی اندازه خسته شده بود . با این اوضاع نادر دانست که بهترین تصمیم آنست که منتظر بشود قبلاً وضعیت عثمانیها در حدود همدان و کرمانشاهان معلوم گردد .

برای رفع خستگی قشون مدت پانزده روز در طهران اقامت نماید تا آنکه وضعیت بکلی روشن گردد . در این موقع کلیه قوای ایران به قرار ذیل استقرار داشت :

(۲۵) ماخذ این فصل از کتاب جهانگشای نادری و تاریخ روضة الصفا و تاریخ افغانستان و تاریخ عثمانی و جغرافی نظامی ایران میباشد . ج - ق

(۲۶) - اصفهان در سال ۱۱۳۵ هجری یعنی [روز یکشنبه ۱۴ محرم الحرام ۱۱۳۵] بدست افغانه افتاد . محمود و اشرف افغانی آنجا رامتراداره حکومت خودشان قرار دادند و بالاخره در تاریخ [روز ۸ جمادی الاولی ۱۱۴۲] یعنی بعد از هفت سال از طرف ایرانیان تسخیر و مجدداً پایتخت ایران انتخاب گردید .

۱ - قوای عمده که قریب ۲۳۰۰۰ نفر میشد در طهران و قسمت های جلودار آن در روی جاده طهران - ساوه و طهران - قم بودند.

۲ - قوای حاجی بیک عبارت از ۵۰۰۰ نفر در جلگه جنوب زهرا متمرکز بود.

۳ - قوای اغورلوخان عبارت از ۳۰۰۰ نفر پیاده و سوار در شهر قزوین استقرار یافته بود.

۴ - قوای حسین قلی خان که ۱۵۰۰ نفر بود، در حدود گردنه آوه استقرار داشت

۵ - قوای احتیاط و تفنگچیان سلطنتی با قرارگاه شاه طهماسب در طهران ماندند.

روز - ۱۲ ربیع الثانی نسبتاً از اوضاع قشون و محل توقف قوای متحدین (عثمانی و افغانه) بوسیله قاصد و جاسوس، مهاجرین و اکتشافیون اطلاعاتی بدست آمد که تقریباً بقرار ذیل بود:

۱ - عثمانیها کافی السابق در حدود همدان و کرمانشاهان متوقف و فقط سه فوج خود را برای کمک افغانه بسمت ملایر و خوانسار اعزام و چون اوضاع داخلی عثمانیها بیش از پیش مغشوش بود، لهذا به اشرف اطلاع داده بودند که اولین و آخرین قوای مکی همان سه فوج است و بس! (۲۷)

۲ - اسلام خان با عده غیر معلوم، در حدود عراق عجم استقرار دارد.

۳ - اشرف در «اصفهان» مشغول جمع آوری قوا بوده یک قسمت از قوای وی در کاشان و در بین [کاشان - اصفهان] میباشند.

۲ - عملیات در جبهه جنوب : روز - ۱۴ ربیع الثانی نادر به «قم» رسیده و با قوای عمده که در آنجا

مجدداً مجتمع شده بود، به منظور همانعت از الحاق قوای عثمانی با قشون اسلام خان تعرض را شروع کرد اسلام خان بمحض نزدیک شدن نادر با کمال احتیاط بطرف شهر «کاشان» مشغول عقب نشینی گردید و فقط عده عقبدار او در حدود «نطنز» شکست خورد و نادر با حالت تعاقب به کاشان رسید و قوای عثمانی و اسلام خان را در آنجا مجتمع یافت.

(۲۷) - اشرف چون پیش از وقت از سر عسکر روم که در «همدان» بود استمداد ننوده و سرعسکر نیز چند نفر از پاشایان جلیل الشان را با جمعیت شایان بمعانت او روان ساخته بود، ایندفعه رومیه را نیز رفیق عزیمت ساخته با کوکبه و استمداد تمام و احتشام مالا کلام طریق مقابلت سپرده...
- از کتاب جهانگشای نادری صفحه ۶۵ سطر ۷ -

روز - ۱۹ ماه نادر بدون اینکه منتظر قوای مأمور جناح راست که در جوار گلپایگان و کمره مشغول عقب راندن عده‌های ضعیف و پراکنده افغانه بود، بشود، شروع به تهاجم نمود.

در این موقع قوای اسلام خان بسیار ضعیف بود، زیرا کلیه قوای اشرف هنوز به میدان نبرد نرسیده، تازه در حدود « مورچه خورت » متمرکز میشد. اگر اسلام خان بدون نبرد در صدد عقب‌نشینی بطرف مورچه خورت و بروی قوای اشرف برمیآمد، حتماً شکست خورده و اشرف که با قوای تازه نفس از اصفهان می‌آمد بدون تکلیف می‌یافت. بنا بر این محاربه را مجبوراً قبول و در سایه افواج « یکدیچری » و « بوستانچی » با وجود کمی عده نفرات از ابتدا نگاهداری کرد، تا شب در موقعیت خود که نسبتاً برای محاربه تدافعی بهتر بود مقاومت نموده در ظلمت شب عقب‌نشینی را بطرف مورچه خورت شروع نمود.

فردای آن روز نادر کلیه قوای راه جاده [کاشان - اصفهان] انداخته، بسرعت در صدد تعاقب خصم برآمد.

۳ - نبرد مورچه خورت: میدان نبرد مورچه خورت در اراضی وسیعی بین دشت و کوه بوده یعنی قسمت غربی آن میدان محاربه کوهسار و قسمت شرقی آنرا جلگه خشک تشکیل میداد. آنچه در این میدان جدال از لحاظ موقعیت تاکتیکی اهمیت داشت همانا تپه‌های مورچه خورت بود که برای موقعیت پیاده نظام و توپخانه مناسب داشت و جناح شرقی آن رای عملیات احاطه ای خیلی مساعد بود.



طرح نادر برای این نبرد عبارت بود از اقدام احاطه ای بر ضد چهار قشونی که [قشون سیدال - قشون اسلام خان - قشون اشرف - قشون عثمانی] در خط مدافعه « مورچه خورت » اتخاذ موقعیت نموده بودند، زیرا که تهاجم مستقیم موجب خطر تلفات کلی بود. چه تپه‌های میدان جدال بطرف شمال و توپخانه دشمن در بالای تپه‌های مزبور طوری اتخاذ موضع نموده بود که کلیه خطوط تهاجم را در زیر آتش مستقیم خود قرار میداد. لهذا نادر تصمیم گرفت از روبروی جبهه به حملات غیر دائمی و اجرای حرکات نمایشی اکتفا نموده و ضربت اصلی را بوسیله يك ستون قوی بجناح راست خصم وارد و بعد با کلیه سوار نظام جناح مزبور را مورد تهدید و پس از آن با هردو ستون آن جناح را احاطه و هرچه زودتر راه اصفهان را بدست آورد.

خلاصه؛ بطور اجمال تصمیم اولیه عبارت بود از ترکیب يك تعرض ساده به کلیه جبهه متفقین و يك تهاجم احاطه‌ای در جناح راست و عقب آنها بود.

در مقابل این طرح، آرایش جنگی افغانه و عثمانیها را هم میتوان بقرار ذیل تصور نمود:

اتخاذ حالت تدافعی در انتظار تعرض و هجوم نادر، درحالتیکه کلیه قوا در تپه‌های مورچه خورت به خطوط دفاعیه متکی گردیده بودند. و اگر یکی از چهار قشون مورد حمله واقع شود، دیگران باید خودشان را به روی جناحین ایرانیان بیافکنند و سواران (سیدال) که منفرداً در زاویه غربی جبهه موقعیت اتخاذ نموده بودند، مانع عملیات ایرانیان بطرف آن جناح خواهد گردید.

روز - ۲۲ ماه قوای ایران پس از عقب راندن قوای مقدم متفقین بطرف جبهه اصلی حرکت و پس از زد و خورد مختصر با اکتشافیون نزدیک ظهر به جلو جبهه اصلی خصم رسیده پس استقرار قوا با صفوف جمع شروع بتعرض نمود. (۲۸)

در مرحله اول، محاربه با کمال نظم جریان یافته، دسته‌های مختلف با صفوف مرتب بطرف جبهه خصم تیر اندازی میکردند. عده تفنگ پرکن‌ها فوق العاده زیاد و با تفنگهای یدکی کارهای خودشان را بطور مرتب انجام میدادند.

توپخانه طرفین بدون هدف معین مشغول تیر اندازی بودند. (۲۹)

نادر عجله داشت که از حالت تعرض موضعی به حالت تهاجم اجباری در آید چه وضعیت، نبرد این عمل را ایجاب میکرد. بنا بر این امر بران متعددی نزد فرماندهان واحدها اعزام و به آنها امر داد که به علامت افراشته شدن بیرق سلطنتی کلیه افواج با اسلحه سرد بطرف استحکامات خصم هجوم نمایند.

وقت ظهر بنا بر اشاره مخصوص فرمانده کل قوا، کلیه توپخانه موجوده ساکت و یک مرتبه کلیه قشون با شمشیرهای آخته خود را بروی جبهه متفقین افکندند. حمله اول با مقاومت جدی عقیم ماند و صفوف حمله تقریباً چهل قدم خود را عقب کشیده مجدداً با اسلحه ناریه مشغول محاربه شدند و توپخانه نیز پس از تغییر مواضع اولیه شروع به تیر اندازی نمود.

(۲۸) - در قرون اخري اغلب عملیات تعییه الجیشی با صف جمع انجام میگرفت. نظام تفرقه در مواقع لزوم بطور طبیعی بکار میرفت.

(۲۹) - در محاربات صحرائی و قلاع فقط برای تزئید روحیه افراد نظامی بکار میردند.

نبرد از مسافت دور تا دو بعد از ظهر دوام داشت. با اینکه طول جبهه و استعداد متفقین بیش از محاربات قبل بود، ولی قوای روحی آنها خیلی متزلزل و کلیه افراد دیگر با آن شهامت و تعصب جنگهای پیش مبارزه نمی کردند، ولی قشون نادر بر عکس؛ آنها دارای روحیه سرشار و عقیده راسخی بودند که فقط فتح و ظفر باعث افتخار و سربلندی او شده دشمن را از وطن طرد و خارج خواهد نمود.

اشرف، سیدال، اسلام خان پس از شکستهای متوالی «ری» و «سردره خوار» و «مهمان دوست» و همچنین مغلوبیت بزرگی که در حدود رود (نجن) نصیب افغانه شده بود، از فتوحات پی در پی نادر و قشونش بوحشت و اضطراب فوق العاده دچار گردیدند. بنا بر این وضعیت جبهه و روحیه فرماندهان برای فتح و ظفر ابتدا مساعد نبوده، فقط اجبار و اضطراب بود که آنها را وادار به دفاع می نمود.

در موقع شروع نبرد، اشرف مجدداً فرماندهی کل را احراز و کلیه حرکات جنگی را شخصاً اداره مینمود. ولی فکر آسوده نبوده از فتوحات ایرانیان بيمناك و از امور آتیه مأیوس و ناامید بود، بهمین دلیل هم است که در نقشه نبرد خطبهای بزرگی را مرتکب میشد، چنانچه مرکز آرایش جنگی خود را قوی ولی جناحین آن را ضعیف گذارد. خط جنگی او تقریباً مرکب از ۲۲/۰۰۰ نفر بود که به عمق دو صف کم فاصله قرار گرفته بودند. جناح راست اشرف ضعیف و جناح چپ نسبتاً قوی بود. ولی بطور کلی نه آرایش جنگی مطابق استعداد قوا و وضعیت اراضی بود و نه احکام جنگی مناسب حال افراد.



همین روز بعد از ظهر نائره محاربه مجدداً شعله ور گردید. حاجی بیک با عده سوار بمخاض شرقی دشمن رو آورده ب سهولت عده آنجا را منهدم و مواضع دشمن را متصرف گردید - (۳۰) چون نادر وضعیت را از بهترین نقطه میدان محاربه تماشا میکرد، فوراً کارد مخصوص خود را برای تحکیم مواضع

(۳۰) - « از دماغه کوه متوجه جانب اصفهان شده، شاید افغانه از پشت دره رو بمرکه رزم آورند، بعد از آنکه موکب نصرت و جلال مقارن آنکوه فلك شکوه گردید، اشرف چون در جنگ مهمان دوست به اعتقاد خود از سیه آرائی آنحضرت کارآموز و از طریقه جنگ خدیو جهان تجربه اندوز شده بود ایندفعه در مقابل معاوضه بشل درآمده ... » - از کتاب جهانگشای نادری صفحه ۶۶ -

مصرفه به آن جناح اعزام نمود. کلیه سوار نظام ایران از پشت سر جبهه دشمن خود را بعقب عده سوار و پیاده نظام جناح شرقی رسانیدند. قوای جناح راست متفقین که باین ترتیب از چلو وعقب سر خود را مورد حمله شدید دیده اند، بلا تأمل تغییر موضع داده يك جبهه منکسری تشکیل و مجدداً بدفاع پرداختند. فرمانده سوار ایران به این موفقیت كوچك اکتفا نکرده تقریباً نصف سوار قسمت سبك اسلحه که تماماً با اسلحه سرد مجهز بودند از پشت سر به عمده قوای اشرف که با اسلحه ناریه مجهز و از مرکز بطرف قوای عمده ایرانیان حمله کرده بود، هجوم آوردند. در همان زمان نادر با گارد مخصوص خود به هر دو پهلوی آرایش ضخیم افغانه شروع بفشار نمود. باین تعرض مقابلی قوای عمده خصم نسبتاً درهم شکسته و فشار آن از جبهه مرکزی ایرانیان دفع گردید.

کلیه صفوف متفقین برای اینکه از هم متلاشی نشوند مجبور بودند نه تنها از پیش روی بر ضد جناح شرقی خود داری نکنند، بلکه بهمه طرف تغییر جبهه داده و با دشمن مقابله نمایند. مدتی محاربه بدین منوال طول کشید و بتدریج عملیات احاطه ای ایرانیان صورت میگرفته در مقابل احاطه و هجوم ایرانیان قوای متفقین نیز مجبوراً بتهاجم متقابل مبادرت ورزیدند. در انتای کیرودار که کلیه محاربین با آخرین قوه خود می جنگیدند، سیدال با فوج عظیمی از پشت سر قرارگاه کل و جمعی از افغانه هم از سمت دیگر بجانب نادر حمله ور گشته آتش جنگ خونین بر افروختند.

موقعیکه مقاله شدیدی در تبه قرارگاه دوام داشت؛ حاجی بيك عده ای را به مك گارد فرستاده و کلیه مدافعین افغانه را از هر سمت محاصره و پس از زد و خورد زیاد کلیه آنها بقتل رسیدند ولی قوای مرکزی و غربی افغانه قبل از اینکه محصور بشوند شروع بعقب نشینی نموده و اشرف نیز با قرارگاه خود بعد از مشاهده وضعیت اسفناك میدان نبرد کار خود را تباه و روز دولت موقتی خود را سیاه دیده جمیع توپخانه و اثاثیه سلطنت را گذاشته راه اصفهان را در پیش گرفت.

آروز تا حوالی عصر آتش جنگ در اطراف تپه های مورچه خورت اشتعال داشت، اسرای بسیاری از افغانه و عثمانی بدست آمد و آنچه از عثمانی ها گرفتار ایرانیان شده بودند همه را مرخص و مورد نوازش ساخته به اوطان خود عودت دادند. قبل از غروب آفتاب سکوت همه جا را فرا گرفت، قشون از پای در آمده براحت باش بزرگ پرداخت. تعاقب از میان رفت دستجات سوار با

دادن ضایعات فوق‌العاده در روی جاده اصفهان اردوگاهی تأسیس نمود .

۴ - پیشروی بطرف اصفهان : روز بعد نبرد مورچه خورت کلیه.

قشون ایران بطرف اصفهان حرکت نمود .

نادر از جاده شرقی که مستقیم تر بود کلیه سوار نظام را به معیت حاجی بیگ اعزام داشت .
قوا عمده از جاده معمولی اصفهان با یک ستون بسیار طولانی حرکت کرد . در این موقع افغانه اصفهان را غارت و عده ای را قتل عام کرده بطرف شهر (شیراز) عقب مینشستند .

روز ۲۴ ماه قشون ایران بدون محاربه با شوکت و جلال و عظمت ملی داخل شهر

اصفهان شد .

۵ - توقف در اصفهان : نادر مجبور شد که اقلای یکماه در شهر اصفهان متوقف گردد . زیرا که قوای متفقین از همدیگر جدا گشته

و هر یکی منطقه جنگی علیحده تشکیل داده با یک وضعیت غیر معلوم یکی در خط [زنجان - همدان - ملایر] دیگری در حدود (آباده) استقرار داشت . بنا بر این نادر مجبور بود در نقاط ذیل قشونی تمرکز دهد که در آتیه از عملیات خود خاطر جمع باشد :

۱ - قشون عمده در اصفهان .

۲ - دستجات اغورلو خان در آوه میباند

۳ - تیپ حاجی بیگ در عراق

۴ - فوج حسین قلی خان در خوانسار .

ولی نادر بیشتر طالب صلح با عثمانیها بود ، چه در صورت استقرار مناسبات حسنه فی مابین دولتین دیگر مانع برای اخراج کلی افغانه در بین باقی نمی ماند . لهذا معظم له پس از تصرف اصفهان و برقراری سلطنت نمایندگی مخصوص به کرمانشاه اعزام و با پاشایان عثمانی برای عقد صلح و تخلیه نواحی غربی ایران داخل مذاکره شد . در این مذاکره نادر در مهمی را انجام داد و اتحاد افغانه و عثمانی را بکلی بهم زد و بدین ترتیب اشرف در منطقه فارس تنها ماند .

خلاصه : نادر با این تعرض سوم وضعیت سیاسی ایران را بحالت اولیه ارجاع بایتخت معظم را مجدداً احیا و مرکز عملیات آتیه قرار داد .

حقیقه سلسله فتوحات درخشان نادر در هر سه تعرض با تصرف قلاع و نواحی هرات و

محای قوای افغانه شمال شرق شروع میشود.

در واقع تصرف آن مناطق و کلیه عملیات جبهه شرق یکی از عملیات متهورانه و فداکارانه است، همچنین تعرض دوم در جبهه غرب و غلبه کردن در محاربات (مه روشن) و «مهماندوست» و «سردره خوار» و بالاخره تصرف و تسخیر شهر طهران در ردیف بزرگترین عملیات حربی بشمار میرود. رؤسای واحدهای بزرگ و سر دسته ها و نظامیان و مجاهدین داوطلبی که در تهاجمات جبهات شرق و غرب و جنوب شرکت داشتند بزرگترین تجربه و اختیار در آمدند. و جنگهای بعد را نیز از روی این تجربیات تعقیب و نتیجه خوبی بدست آوردند. دخول به نبرد با داشتن قوای مکفی یکی از امور جنگی آسانی بوده و چندان محل خطر و خوف نیست ولی نادر در مرحله اول جنگ از حیث کمی قشون و وسایل جنگی و امور مملکتی نسبت بقوای خصم در فشار و دچار محظورات گوناگون بود، علیهذا معظم له خود را بمقتضای وظیفه وجدانی و ملی مکلف دید که؛ فقط بر وفق ابتکار و اراده شخصی و طبیعی خود عمل نموده و تمام تشبثاتی را که برای نیل بفتح لازم بداند یا تحمل مسئولیت آن انجام دهد. در طول این مدت قلیل معظم له موفقیتهای مهمی را احراز نمود که ایران هرگز آن تشبثات وطن و ملت پرستانه و یارافراموش نخواهد نمود.



فصل ششم (۳۱) تعرض چهارم

وضعیت عمومی

فتح شهر اصفهان و بر هم زدن سلطنت افغانه در ایران اوج ترقی قدرت نادر قلی افشار محسوب و در مدت یکسال (۱۱۴۱ تا ۱۱۴۲) صاحب ایران شمالی و مرکزی گردیده و بدین وسیله ملت نجیب و مظلوم ایران را از مظالم و تعدی دشمن خارجی خلاص داد. ولی قدرت و عظمت نادر بیشتر در اداره لشکری بود، ادارات کشوری در نتیجه استیلای افغانه بکلی خراب و هیچ اصولی در مملکت وجود نداشت. بنا بر این تنظیم قشون و تزوید قوا و همچنین قشون کشی به اشکالات کونا کون بر خورده، نگاهداری ممالک مسخره فقط با زور امکان داشت. معظم الیه برای امورات داخلی مملکت مجبور بود که یک قسمت از صاحب منصبان لایق خود را در نقاط نظامی نگاهداشته امنیت و احتیاجات قشونی را بتوسط آنان فراهم نماید.

در مدت چهل روز توقف در شهر اصفهان (که برای تجمع و تمرکز قوا یک زمان خوبی بود) وقت پر قیمت نادر قلی برای اینگونه امور مصرف کردید اگر در امورات داخلی متصدی دیگری وجود داشته بود قطعاً اشرف در حدود جنوب غربی اصفهان دستگیر و محامیشد و غائله نیز یکسال زودتر خاتمه پیدا میکرد، ولی چنانچه در فصول قبل ذکر گردید، سه تعرض سریع و وضعیت سیاسی مجبوره عثمانیها و امورات داخلی نادر را مجبور میکرد که اقلأً چهل روز در اصفهان بماند و الا خود معظم الیه اهمیت زمان را بطور حتم میدانست ولی دیگر با وضعیت فوق الذکر چاره دیگر نداشت. اگر چه عملیات تعرض سوم تعداد زیادی از قشون نادر را از میان برد، ولی باز معظم الیه دارای عده بسیاری بود. زیرا تمام ولایات مفتوحه و غیر مفتوحه با او کمک مینمودند.

بعد از تعرض سوم قوای اشرف بدیش از بیش ضعیف و پریشان و مستأصل شده و محلی نیز برای اخذ و جلب نفرات باقی مانده بود. ولی همین افغانه ای که هفت سال قبل به ایران آمده بودند

(۳۱) - ماخذ این فصل از کتابهای ذیل: تاریخ افغانستان، تاریخ ملل آسیا کتاب تاورینه، جهانگشای نادری

• روضه الصفا، مسیر جهانگیری میباشد.

اصل کادر اردو را تشکیل و بایرداخت اجرت از بعضی طوائف افراد جدید گرفته میشد. چون جنگ فی مابین ایرانیان و افغانه يك جنگ ملی و مذهبی بود لهذا کلیه افراد قشون اشرف این نکته را کاملاً میدانستند، بدینجهت همیشه از اوامر مافوق خودشان اطاعت صرف نموده، بعد از انهمزام عقب نشینی معمولی، مجدداً در اطراف فرماندهان خود گرد آمده مطیع حرف آنها میکردیدند. بهمین دلیل پس از رجعت از میدان نبرد «مورچه خورت» کلیه افغانه مقیم ایران بطرف جنوب غربی رجعت، فرار، و مهاجرت نموده در پنج فرسنگی شمال شهر «شیراز» بر طبق امر اکید اشرف مجتمع و جبهه مهمی را در مقابل قشون ایران احداث و تأسیس نمودند.

این قوا تقریباً بالغ بر ۹۵۰۰ نفر می شد که هنوز از با درنیامده و مستعد ابراز شجاعت و رشادت کافی بود. اما از نقطه نظر توپخانه اشرف بزحمت افتاد، چه کلیه توپهای او در جنگهای قبل بدست ایرانیان افتاده و چیزی بقی مانده نداشت.

خلاصه آخرین قوایی که اشرف در «زرقان» تمرکز داد، عده بود که از بقیه السیوف تشکیل یافته و از کلیه پیش آمدهای مساعد ناامید بودند. (۳۲)

۱ - حرکت بظرف شیراز : روز ۳ جمادی الاخر ۱۱۴۲ در وسط زمستان سخت اردوی نادر از اصفهان

حرکت نمود، بواسطه توقف طولانی در اصفهان تماس بین طرفین متخاصمین تقریباً قطع شده بود (۳۳) چون نادر غالباً نقشه عملیاتی و حرکات جنگی خود را بمرور و بر طبق وضعیت خصم و پیش بینی صورت بندیهای آن تهیه مینمود، لهذا موقع حرکت قوا از اصفهان نقشه معینی در کار نبود. کلیه قوا در روی يك جاده و بحالت يك ستون حرکت میکردند. تدارك سوخت بزرگترین اشکال را فراهم میآورد و چون بنهها در عقب ستون حرکت میکردند، لهذا قسمت های مقدم

(۳۲) - اشرف با افغانه ضرب دست دلیران رزم کوش را فراموش کرده در شهر شیراز مکت و مشغول استعداد و جمعیت اعراب هوله و سقانی و باقی عشایر سمت فارس و بنادر است

- از جهان گشای نادری صفحه ۶۹ سطر ۱۴ -

(۳۳) - در روز سوم جمادی الاخر کوس قیامت غریب و زمسازای بلند آوا و رأیت جهان گیری آسمان فرسا ساخته در عین زمستان از راه [ابرقو - مشهد مادر سلیمان] روانه شیراز شدند و شدت سرما بعدی بود که ... از کتاب جهان گشای نادری صفحه ۶۹ سطر ۲۱ -

ستون بیش از سایر قسمت‌ها در زحمت بودند. گرچه در آن قرن طریقهٔ اساسی راه پیمائیدها از روی اصول ستون بندی بود، ولی فصل زمستان و اوضاع طبیعی اراضی بین راه بیش از این را اجازه نمی‌داد.

تأمین ستون عمده در روی خط حرکت بواسطه سرمای فوق‌العاده و دور بودن قوای خصم کاملاً احرا نمیشد.

دیگر مثل سابق راه پیمائی شبانه در کار نبود. ستون عمده روزی شش الی هفت فرسنگ بیشتر راه نمی پیمود. برای حرکت توپخانه همیشه يك عده عمله از اهالی محل با ستون حرکت نموده و راه شیراز - اصفهان را که در دوره شاه عباس بزرگ ساخته شده بود تعمیر میکردند.

روز - ۷ ماه چون اوضاع جوی تغییر یافت لهذا قوا بر سه ستون تقسیم گشته يك ستون از راه ابرقو و مشهد مادر سلیمان، ستون دیگر در روی جاده معمولی (آباد) و ستون سوم از بیراهه بطرف شیراز حرکت نمود.

چون روز - ۱۰ ماه قوای خصم را در (زرقان) کشف کردند لهذا اردو با هر سه ستون بطرف جلگه زرقان سرازیر و بعد از ظهر سواران طرفین در وسط آن جلگه تلاقی نموده و شروع بزد و خورد کردند. (۳۴)

۲ - محاربه زرقان: قوای اشرف که قبلاً در این نقطه تمرکز یافته بود برای تعرض بطرف اصفهان در تدارک بودند، ولی چون قوای

ایران قبل از حرکت آنها وارد حدود اردو گاه آن‌هاست و سواران طرفین نیز داخل منازعه گردیدند لهذا اشرف تصمیم اولیه خود را در آن جلگه اجباراً بدووقع عمل گذاشته و حکم تعرض را بکلیهٔ قسمت‌های اردوی خود صادر مینماید.

آن روز بعد از ظهر قوای اشرف بدون اتخاذ آرایش مختصی بطرف ستون‌های قشون نادر که هنوز بحالت صف حرب در نیامده بودند با استعداد تمام تعرض میکنند. قشون نادر بمقابله برداخت و از طرفین تسویهٔ صفوف و ترتیب اصحاب سیوف گشته اول قوای اشرف بطرف صف مقدم ایرانیان حمله ور شده خیره‌گی را از منزل اعتذار گذرانیده به پیاده نظام مقدم مقارن شدند

(۳۴) - اشرف باز تجدید جمعیت و احتشام کرده برای مقابله حاضر شد.

- از کتاب جهانگشای نادری صفحه ۷۰ -

ولی تفنگچی‌ان چابک‌دست نادر روزاً اقرار گرفته بشدت تیراندازی میکنند و شمشیرچی‌ان جناحین نیز هر دو طرف جبهه را از حملات مؤرب و مستقیم افغانه را طرد نموده و توپچی‌ان هم پشت سر صفوف دشمن را مورد شلیک قرار میدهند، در خلال این زمان سوار نظام نادر از اراضی کوهستان شمال وارد میدان نبرد گشته با سواران افغانه داخل منازعه میشوند و طولی نمیکشد آنها را بطرف قرارگاه اشرف میرانند و نزدیک جناح راست جبهه پیادر نظام شده و بالاخره تأسیس ارتباط نموده بحالت پیاده داخل جنگ میگردند. باوجود باندگی شدید يك قسمت از افراد نظامیان نیز از پشت سر وارد میدان نبرد گشته، بدین ترتیب از حملات افغانه که در واقع برای آنها يك فرصت خوبی بود، کاملاً جلوگیری میشود.

نوبت دیگر افغانه بطرف میمنه جبهه ایرانیان هجوم آور شدند و بانداختن زنبورک و تیر تفنگ و شلیک توپ محاربه مجدداً شدت یافت.

قشون ایران صفوف حمله افغانه را در حال توقف عقب‌رانند و خود نادر با يك فوج از پشت سر مرکز جبهه به امداد قسمتهای میمنه رفت، در خلال این اوقات نیز سیدال و خود اشرف در آن جناح حاضر و افراد خودشانرا تشجیع و تشویق مینمودند.

وارد شدن يك فوج با فرمانده متهور وضعیت جناح مزبور را آنآ تغییر و از حملات شدید افغانه کاملاً جلوگیری شد، سیدال عجله داشت که مجدداً حمله نماید ولی در اینموقع در جناح میسرره حملات سواران ایران بدون انتظار شروع گشت و افغانه از آن سمت محاصره شدند. سیدال در مکان خود هجوم را تجدید کرد، ولی اشرف در عوض آنکه تلاش کلی خود را متوجه جناح راست ایرانیان نماید، خواست بمرکز آنها تعرض کرده جبهه را بشکافد. ولی سواران جسور نادر پس از آنکه پیاده گان اشرف را در جناح شمالی عقب راندند، به عملیات احاطه‌ای خود ادامه داده کاملاً پشت سر قوای افغانه را مورد تهدید قرار میدهند، در اینموقع سایر قسمتهای ایرانیان نیز آخرین حملات اشرف و سیدال را دفع و شروع بتعرض متقابله مینمایند. نزدیک غروب بود که شکست در جبهه افغانه ظاهر شده قشون آنها به طرف شیراز راه فرار پیش میگیرد و فقط چند قسمت ضعیف تشکیل جبهه مربع داده با نظم و ترتیب جنگی خودشان منظمآ عقب مینشینند.

وقتیکه علائم فرار و رجعت در روی جبهه افغانه ظاهر گردید روحیه افراد قشون نادر

معناً تقویت شده و تهاجم شدید شروع گشت. جمعی از افغانه را به غناک هلاک انداختند. اشرف نیز با کارد خود بجانب شیراز رایت فرار افراخته و افواج سوار ایرانیان نادر فرسنگی شهر بتعاقب ایشان پرداخته و غنایم و اسرای زیادی بدست آورده و بدست تاریکی شب ادامه تعاقب به فردا محول گردید و به این علت فراریهای افغانه مقداری پیشروی نمودند.

روز - ۱۱ ماه چون قشون فوق العاده خسته و تشکیلات قسمتها مغشوش شده بود، اردو در جلگه «زرقان» ماند و فقط تیپ سوار در دوفرسنگی شیراز مشغول تعاقب افغانه بود.

موقع ظهر «سیدال» برسم استیمیان از جانب «اشرف» وارد زرقان و حضور فرمانده کل قواشرفیاب کشته شرائط تسلیم را از معظم له استیزان نمود، پس از مذاکرات شرائط تسلیم که بقرار ذیل بود معلوم و مقرر شد :

تسلیم کلیه اسرای خاقان مغفور را با اسرای ایرانی که همراه دارند و خلع اسلحه و ترخیص قوا و تسلیم صاحب منصبان افغانه. چون شرائط فوق را افغانه نمیتوانستند قبول نمایند لهذا روز - ۱۲ ماه شیراز را تخلیه نموده بطرف جنوب شرقی فرار کردند و نادر همان روز تیپ سوار نظام را مأمور تعاقب آنها نمود و خود نیز با کلیه قشون خود از زرقان مستقیماً بطرف شیراز رهسپار گردید، تیپ سوار پس از آنکه اطلاع حاصل نمود که افغانه شهر را تخلیه نموده بطرف جنوب شرقی رجعت میکنند، فوراً تغییر سمت داده بطرف پل (فسا) حرکت و موقع ظهر با قشون بقیه السیوف اشرف که مشغول عقب نشینی و خود را برای عبور از پل «فسا» حاضر مینمودند تلاقی کرد. تیپ مزبور بدون تأمل بقشون اشرف تعرض نمود ولی چون افراد بکلی خسته و استعداد قوا نسبت به افغانه خیلی کم بود لهذا فوراً خود را عقب کشید و فقط بمزاحمت نمایی اکتفا نمود تا آنکه بالاخره فوج مخصوص قرارگاه وارد میدان «فسا» گردید و طولی نکشید نادر نیز با فوجی رسیده فرمان تعرض را برای هر سه قسمت صادر نمود.

۳- نبرد پل فسا : چون سه قسمت قشون نادر، آخرین نواای اشرف را در تحت فشار سخت قرار دادند، لاعلاج اشرف و سیدال مستحفظین

خود را که قریب سه هزار نفر مسلح نظامی و دو هزار نفر غیرنظامی بودند، تا حدیکه ممکن بود در ساحل غربی رودخانه و در قرب پل فسا مرتب کرده و آنها را به دو قسمت تقسیم و پس از اتخاذ وضعیت دفاعی شروع بمقاتله نمودند.

اشرف در جناح راست و سیدال در جناح چپ قرار گرفته بودند و هر دو صفوف خود را بمجمله تشکیل داده و باین جهت هنوز دچار اختلال هرج و مرج و بی نظمی بودند و لسی پیران و کودکان و کلیه مهاجرین افغانه را از پل گذرانده بودند. در خلال این اوقات هر سه ستون ایرانیان تشکیل صف حرب داده شروع بتهاجم نمودند. در حمله اول افغانه مغلوب و چون رودخانه بواسطه زمستان پر آب بود، لهذا مجبور بودند که از روی پل فرار کنند. اشرف اول و هله از رودخانه عبور و پیر محمد که معروف به شجاعت بود، جمعی از سربازان و فدائیان افغان محافظت راه و ضبط سرپل را نیز بر ذمه خود گرفته نظامیان را مجدداً بچنگ مشغول ساخت که افغانه با خاطر جمع از پل بگذرند. لیکن فشار حملات ایرانیان به آنها مهلت نمیداد و افغانه در نتیجه این وضعیت دچار اختلال و بی نظمی گردیدند و ایرانیان نیز موقع را مغتنم شمرده با کلیه عده موجوده بر ایشان حمله کردند در تنگنای راه پل عده زیادی از افغانه را با شمشیرهای خود بقتل رسانیدند بالاخره افغانه در مقابل حملات ایرانیان مقاومت نکرده با بگریز نهادند. آفتاب قریب يك ساعت بود که غروب کرده ظلمت شب همه جا را فرا گرفته باران شدید نیز می بارید. افغانه از بیم جان متهاجم و جمعی از غلبه خوف در آب غرق گشته متاع هستی را به باد داده دو سه هزار اطفال خورد سال و شیرخوار و زنان در این ظلمت، در توی سیل و در زیر پای محاربین ناله و فغان میکشیدند. قتال قریب نیم ساعت در سر پل فسا دوام داشت و بالاخره قسمتی رجعت نموده و مقتولین در زمین رطوبت ساکت و مجروحین از فرط آه و ناله خسته شده و سکوت غریبی همه جا را فرا گرفت. جز صدای پای اسبان و شیهه آنان چیز دیگر شنیده نمیشد. قریب دو یست نفر افغانه و دونفر سرداران ایشان بتصور آنکه ایرانیان مشغول تعاقب آنها هستند. بدون لمحّه توقف رو بگریز نهاده و برای آنکه زودتر از حدود میدان نبرد جان بدر برند با فریاد و ناز و ناله اسبهای خود را میراندند و از فرط اضطراب و تلاش و تشویش، کلیه مال و اساعه خویش را بزمین میافکندند زیرا جرئت و جسارت صف آرائی و مقابله با ایرانیان را نداشتند و تمام امیدشان بقوت پای اسبانشان بود.

آن شب نادر، پس از ختم محاربه بمیدان معرکه رسیده و يك فوج هزار نفری را مأمور تعاقب اشرف و سیدال نمود.

قوای عمدۀ در زیر باران زیاد اردوگاه بزرگی تربیب و شب را در آنجا گذراند.

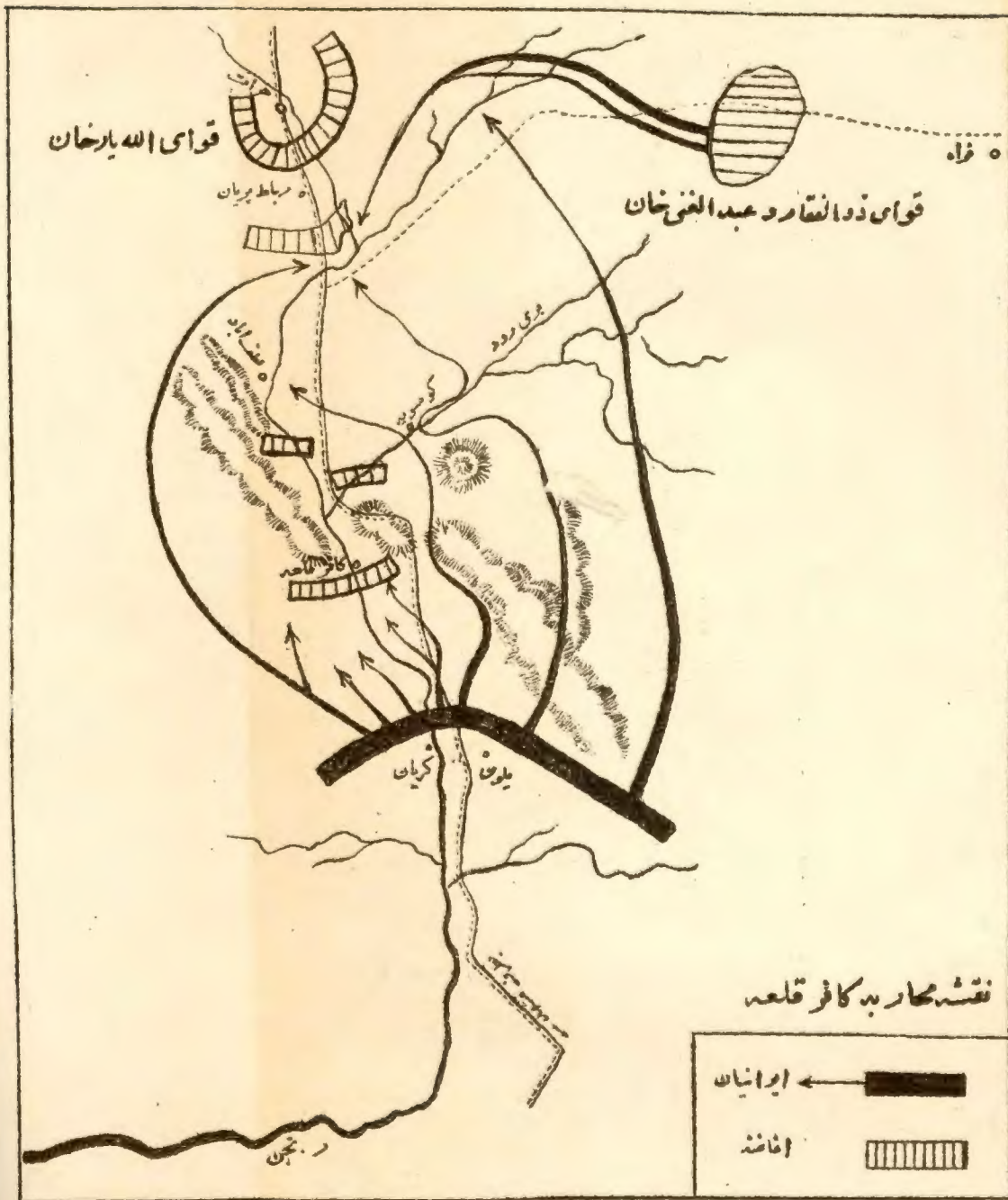
روز بعد - ۱۳ ماه اردو بطرف شیراز حرکت نموده با شوکت و جلال و افتخار وارد شهر شد و برای تقویت فوج سواری که مأمور تعقیب شخص اشرف بود یکصد نفر سوار جدید اعزام و به حاکم اصفهان، یزد، کرمان، سیستان احکام اکید صادر شد که هر یکی از آنها یک بهادران سوار از محل تشکیل و برای تعقیب اشرف بطرف لار و بلوچستان اعزام دارند.

محاربه « فسا » با قتل آخرین سرباز اشرف خاتمه یافت و خود او در کوههای لار با صد نفر سوار سرگردان ماند. این واقعه از هر مصیبت و بلائی دیگری که سابقاً بر افغانه وارد آمده بود، سخت تر و هولنا کتر بود. زیرا کلیه سربازان و صاحبمنصبان آنها بهلاکت رسیدند و عده زیاد دیگری نیز اسیر شدند و در نتیجه تعاقب جدی اشرف از ایران خارج و در بلوچستان شرقی در محل (زردکوه) در سمت سفلی (شورابک) بقتل رسید. موقعیکه نادر قلی در جبهه غرب با عثمانیهامشغول محاربه بود، افغانه در مشرق ایران مجدداً آشوبی بر پا نمودند ولی بزودی اغتشاشات آنها خاموش و کلیه اقدامات استقلال طلبانه آنها بلا نتیجه ماند.

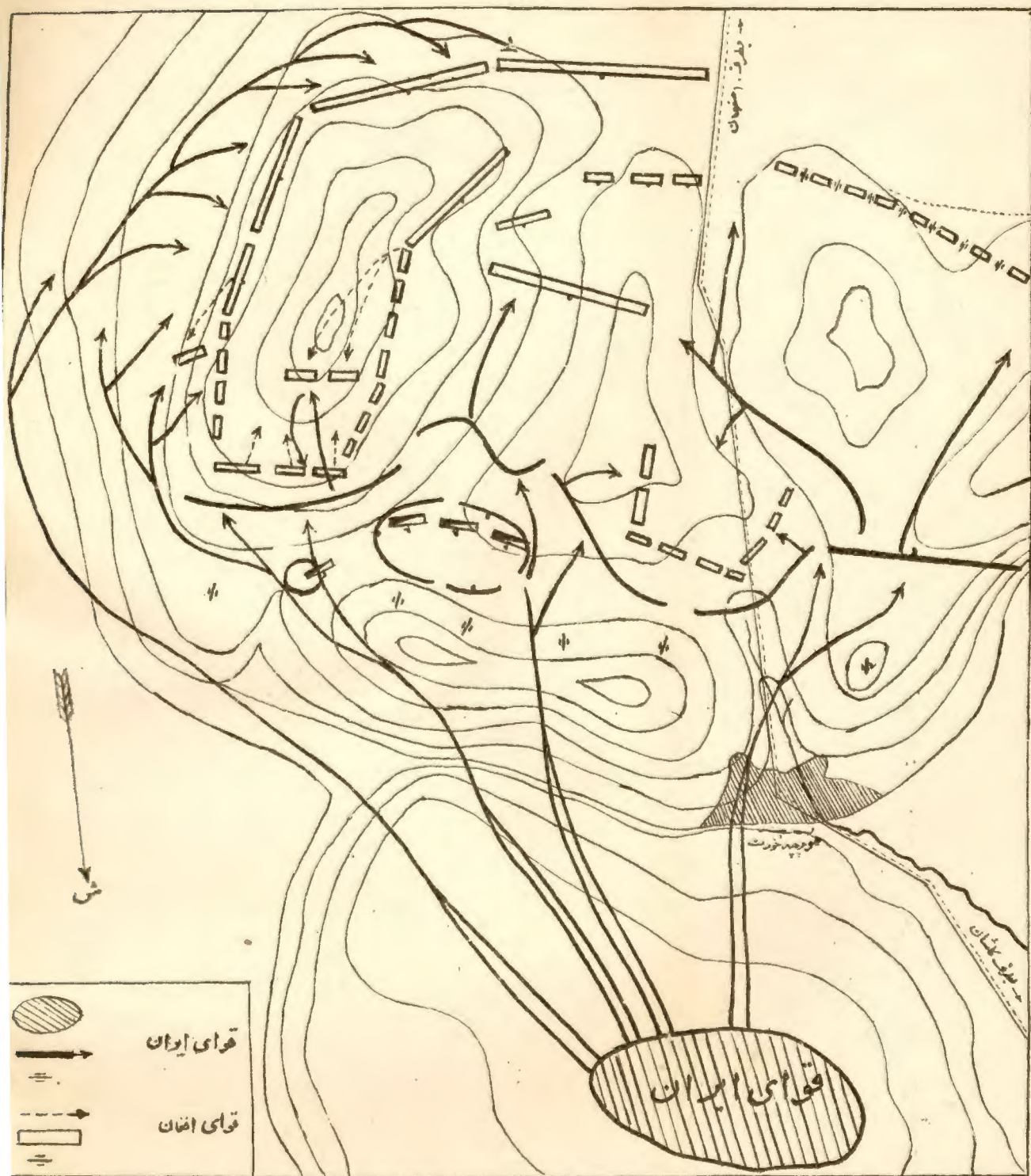
نتیجه: تعرض چهارم نادر به غائله افغانه در ایران خاتمه داد. گذشته از اینکه دست افغانه را بطور دائم از ایران کوتاه کرد، یک ولایت بزرگ از اصل افغانستان (هرات و فراه) نیز جزو مستعمره ایران گردید. و چون مقصود نادر، تسخیر کلیه نواحی غربی ایران بود، لهذا متحمل عملیات دو جبهه ای نشد ولی پس از ختم غائله عثمانیه در غرب، مجدداً به نواحی شرق انتقال قواداده قبلاً افغانستان غربی را کاملاً ضبط و بالاخره در موقع قشون کشی بطرف هندوستان کلیه ممالک افغانه را فتح و جزو ایران نمود.

انتهی

جمیل - قوزانلو



نقشه محاربه مؤرخه خورت



جنگ ایران - افغان

مخاربه بهتان دوست

